

فشارها و توطئه های تازه علیه زندانیان سیاسی

فلان تعداد قاچاقچی عمده در اوین تیرباران شدند. "اوین سمبل زندان های سیاسی ایران است. رژیم برای این که این سمبل را بشکند اخیرا حده کثیری از زندانیان هادی دارای جرم های بالا را در این زندان جاداده است. روز ملاقات زندانیان هادی و سیاسی یکی است. به تحریک رژیم پیش آمده است که خانواده های زندانیان هادی با خانواده های زندانیان سیاسی درگیر شوند و موجب آزار آنان گردند.

مهم ترین توطئه تازه علیه زندانیان سیاسی ماجرای به اصطلاح "هفو" حده ای از آنان است. اکنون دژخیمان بر فراز کوهی از جنازه دم از آزادی آنان می زنند. در روز ۲۷ مهرماه، ری شماری رئیس ساواک فقط اعلام کرد که بقیه در صحنه ۲

هم زنجیران به خون تپیده زنده می شود و در گوش آنها مدام صدای رگبار جوخه های اعدام طنین افکن است. دژخیمان در چنین فضایی فشارهای مختلف را شدت بخشیده اند. اکنون خبر از روان پریشی این یا آن زندانی می رسد. گفته می شود که این زندانی دچار جنون شده و یا آن دیگری در چنان حالتی فرورفته که در هنگام ملاقات چهره های مات و مبهوت داشته و قادر به سخن گفتن نبوده است.

رژیم برای این که ابعاد کشتار زندانیان سیاسی را پوشیده نگه دارد، اعدام زندانیان هادی همچون قاچاقچیان را در داخل زندان های سیاسی صورت می دهد. در روزنامه های رژیم مدتی است که با تیترهای درشت خبر می دهند

رژیم پس از کشتار جمع وسیعی از زندانیان سیاسی - کشتاری که تنها اطلاق عنوان "قتل عام" می توانست ابعاد آن را نشان دهد. به توطئه های تازه ای علیه بازماندگان این جنایت عظیم رو آورده است. هنوز نمی توان گفت که در روزهای جاری شدت کشتار نسبت به ماه های شهریور و مهر تا چه حد فروکش کرده است. هنوز بسیاری از خانواده ها از سرنوشت همیزان در بند خود بی اطلاعند و یا اگر از زنده بودن آنها خبر داشته باشند، در دلخوردگی و اضطرابند که آیا در نوبت ملاقات بعدی، امکان دیدار دست خواهد داد و یا خبر قتل آنان را خواهند شنید. در داخل زندان ها شدت اندوه و ماتم صدچندان است. در ذهن هر زندانی بجای مانده از کشتار بزرگ مدام یاد



تیریه سازمان فداییان خلق ایران (اکتبر) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۶۷ برابر ۳۰ ژانویه ۱۹۸۹ به ماه ۶۰ روال سال پنجم - شماره - ۲۴۳

مذاکرات فراموش شده؟

یان الیاسون نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد در مذاکرات ایران و عراق، هفته گذشته بدنبال دیداری از ایران، وارد عراق شد تا تلاش برای از سرگیری این مذاکرات و شکستن بن بست آن را ادامه دهد. وی همراه با فرمانده یوگسلاوی نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل، از بصره بازدید کرد. الیاسون اظهار امیدواری کرده است بتواند دو طرف را در آینده نزدیک به پای میز مذاکره برگرداند. وی ضمن اشاره به اینکه تاکنون در گفتگوها پیشرفتی حاصل نشده است، از دو طرف خواست در این راه کوشش بیشتری نشان دهند. همزمان با ترک تهران از سوی الیاسون، موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی بار دیگر موضع جمهوری اسلامی مبنی بر عدم پیشرفت مذاکرات تا قبل از خروج نیروهای عراقی از ۱۰۰۰ کیلومتر مربع خاک ایران را تکرار کرد. جمهوری اسلامی می گوید مساحتی معادل هزار کیلومتر مربع هنوز در اشغال عراق است. مدتها، جنگ ایران و عراق حکم "جنگ فراموش شده" را داشت. با اینکه هر روز صداها و هزاران تن در این کشتار بی سرانجام سلاخی می شدند، افکار عمومی جهان کمتر به این جنگ توجهی نشان می داد. اکنون به نظر می رسد مذاکرات صلح نیز می رود تا به "مذاکرات فراموش شده" تبدیل شود. هر دو رژیم در پیشرفت این مذاکرات کارشکنی می کنند و دبیرکل سازمان ملل گفتگوها را آتندر بی بقیه در صفحه ۱۱

فهرست اسامی ۶۰۸ تن
از قربانیان کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران
در صفحات ۱۰۷، ۱۰۸ و ۱۰۹

با کمبود سوخت و خاموشی های طولانی و مکرر زندگی مردم فلج شده است

می گردد. در تهران، اصفهان، تبریز و اراک که از مراکز ثقل صنعتی کشور هستند، کارخانجات به هلت خاموشی طولانی مدت برق و کمبود سوخت، قادر به حفظ آمونگ حداقل تولید نیستند. توزیع سوخت در تهران و سراسر کشور به شدت نابسامان است. در پایتخت کشور که دارای پالایشگاه تصفیه نفت خام و تولید نفت سفید و گازوئیل است، از زمان ریزش اولین برف زمستانی در اوایل دی ماه، صفهای خرید نفت سفید و انواع سوخت به مراتب طولیتر از پیش شده است. در شهرستانها بویژه مناطق سردسیر کشور مردم از مدتها پیش دچار کمبود سوخت هستند. طبق گزارش مطبوعات دولتی، طی دو هفته به هیچ یک از شعبات توزیع نفت شهرستان ورامین نفت تحویل داده نشد. دارندگان وسایل گازسوز و "شوفاژ" با قطع توزیع گاز و خالی شدن منبع سوخت شوفاژ از آنجا که قبلا کوپن نفت تمهیه نکرده اند، از سهمیه نفت کوپنی نیز محروم هستند. نه تنها سوخت مصرفی خانگی بلکه سوخت صنعتی کارخانجات و واحدهای تولیدی نیز دچار کمبود هست. هلیرفتم تبلیغات دولت، بسیاری از واحدهای صنعتی، نیروگاه ها و واحدهای تولیدی - خدماتی مستقیما به هلت کمبود سوخت و خاموشی های طولانی برق از کار افتاده و یا نیمه تعطیل شده اند. بنا به گفته وزیر نیرو بخشی از خاموشی های فعلی ناشی از

در شهرها و روستاهای کشور همراه با خاموشی برق، اهالی سرمایه دار کشور با کمبود شدید نفت سفید، گاز، گازوئیل و دیگر انواع سوخت ها مواجه هستند. مشکل تامین سوخت و برق لاینحل شده است و گره آن روز بروز سخت تر می شود. سخنان مسئولین و از جمله نخست وزیر حاکی است که در آینده نزدیک نیز گشایشی نخواهد بود. امروز بر کشوری که بر روی ۱۰۰ میلیارد بشکه نفت قرار دارد، ظلمت و سرما حکمفرماست زندگی روزمره در کارخانجات، معادن، ادارات، واحدهای خدماتی و منازل که با برق و سوخت پیوسته است، دچار اختلال شده و چرخه حیات اقتصادی از هر زمان دیگر کندتر

بقیه در صحنه ۲

در این شماره

- اعتصاب دانشجویان علوم پزشکی ایران - - - - - در صحنه ۳
- این فجایع رامی خواهند با بوق و کرنای تبلیغاتی و چوبه های دار از میان بردارند! - - - - - در صحنه آخر
- گرانی طاقت فرسا است - - - - - در صحنه ۵
- بل هوایی شوروی برای کابل - - - - - در صحنه ۱۴

فشارها و توطئه‌های تازه علیه زندانیان سیاسی

بقیه از صفحه اول

می‌خواهند فرمان "هغو" دهند و این موضوع "از جانب وزارت اطلاعات طرح شده و توسط مقامات حکومت اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته، اما هنوز به تصویب نرسیده است." اکنون نیرنگ تازه را به مصوبه تبدیل کرده‌اند. منتظری قائم مقام خمینی مسئول اجرای این مصوبه است. منتظری از مسئولان زندان‌ها خواسته است بر مبنای آئین نامه مصوب، فهرست زندانیانی را که مشمول "هغو" می‌شوند، در اختیار دفتر وی قرار دهند تا ترتیب آزادی آنان داده شود. در آئین نامه مذکور گفته شده است زندانیان سیاسی آزاد نمی‌شوند و یا در مدت محکومیت آنها تخفیفی داده نمی‌شود "مگر این که توبه آنها نزد حاکم شرع، دادستانی انقلاب و وزارت اطلاعات محرز باشد." قضیه "هغو" برای رژیم مصرف تبلیغاتی دارد. به مجرد مطرح شدن این موضوع، خبرگزاری‌های فریبی به برجسته کردن آن پرداختند. این قضیه، اساساً توطئه‌ایست مکمل

قتل‌عام زندانیان سیاسی. رژیم بر آن سر است تا با طرح آزادی هدهای از زندانیان، به زعم خود دست به یک ضدحمله تبلیغی بزند، تا در انظار جهانیان اندکی هم که شده چهره کریه خود را بپوشاند. دادن عنوان "توبه کرده" به همه زندانیانی که بعضاً آزاد شده و یا ممکن است آزاد بشوند، نیز جزئی از توطئه تازه رژیم است.

فشارها و توطئه‌های تازه علیه زندانیان سیاسی را باید با تمام نیرو افشا کرد. شرط اصلی رسیدن حرکات افشاگر به یک تاثیرگذاری کیفی، پیگیری در پیشبرد آنهاست. در ماه‌ها و هفته‌های اخیر، حرکت‌های افشاگری که در کشورهای مختلف صورت گرفت، در مطرح کردن مساله سرنوشت زندانیان سیاسی ایران و قتل‌عام آنان، بسی موثر بوده است. این حرکات، تجربه‌ها و تلاش‌های تازه‌ای را در برداشت که باید در تثبیت آنها کوشید. اکنون وظیفه اصلی پی‌گرفتن تلاش‌های صورت گرفته است.

پیگیری و ادامه‌کاری: این سلاح اصلی ما از جمله برای مقابله با توطئه‌های تازه رژیم علیه زندانیان سیاسی است.



با کمبود سوخت و خاموشی‌های طولانی و مکرر زندگی مردم فلج شده است

بقیه از صفحه اول

کمبود سوخت نیروگاه‌های برق است. وی می‌گوید "ما سوخت نداریم، هر وقت به نیروگاه‌ها سوخت رساندند خاموشی را کمتر می‌کنیم."

سخنان وزیر نیرو پیش از آنکه پاسخ به هلت خاموشی‌های طولانی برق باشد، گریز از فشار اعتراضات عمومی است. تنها سوخت بخشی از نیروگاه‌های تولید برق، گازوئیل و نفت است، بخش عظیمی از نیروگاه‌های کشور گازسوز و آبی هستند اما سیاست‌های ویرانگر رژیم خمینی صنایع کشور را از کار انداخته است. در ده سال گذشته نه تنها بر ظرفیت تولید برق نیروگاه‌ها اضافه نشده، بلکه حتی برای جلوگیری از استهلاک واحدهای موجود و حفظ ظرفیت اسمی تولید آنها نیز اقدامی صورت نگرفته است. در این مدت بخشی از نیروگاه‌ها به

هلت کمبود قطعات و خرابی ناشی از بهاران از کار افتاده و دولت بودجه‌ای برای راه‌اندازی آنان اختصاص نداده است.

بر اساس گزارش مسئولین وزارت نیرو کمبود برق مصرفی روزانه حدود ۲۵۰۰ مگاوات است و دولت می‌خواهد به جای تلاش برای ایجاد نیروگاه جدید و راه‌اندازی نیروگاه‌های آسیب دیده، با خاموشی‌های طولانی، آن را جبران کند. در حالی که حتی اگر برای تولید ۲۵۰۰ مگاوات برق اعتبار تامین شود باز تولید و مصرف تعادل نخواهد یافت و خاموشی‌ها تا زمان احداث نیروگاه‌های جدید حداقل با ۱۰۰۰ مگاوات کمبود ادامه خواهد یافت. زیرا با توجه به تغییرات مصرف در ماه‌های مختلف سال، میزان مورد نیاز برای رفع خاموشی‌ها ۳۵۰۰ مگاوات است. موسوی نخست وزیر، روز پنجشنبه به‌همین

هنگام بازدید از نیروگاه "نکا" در شمال کشور تصریح کرد که جمهوری اسلامی در کوتاه مدت وضع فعلی خاموشی را برطرف نخواهد ساخت و برنامه خاموشی سال‌ها دوام خواهد داشت.

هم‌اکنون میزان خاموشی در روز بین ۶ تا ۹ ساعت است و آنهم در گرماگرم فعالیت مردم است. در هفته گذشته میزان خاموشی در تهران و اصفهان به بیش از ۱۴ ساعت در روز رسید. اگرچه برنامه خاموشی به‌طور رسمی به نوبت و نوبت بندی نیز مراعات نشده و خسارات سنگینی بر واحدهای صنعتی و مردم وارد کرده است. در هر محدوده از لحظه‌ای که برق قطع می‌شود فعالیت واحدهای صنعتی، بیمارستان‌ها، حمل و نقل، ثانویه‌ها، پمپ بنزین‌ها و سایر اماکن تولیدی و خدماتی متوقف می‌شود و لوازم برقی مردم در منازل با خاموشی روشن شدنهای ناگهانی از بین می‌روند.

در همین فاصله کوتاه، خاموشی برق به گرانی لوازم برقی خانگی و تعمیر آنها، افزایش کار کارمندان ادارات، بیکاری کارگران، کمبود نان و... منجر شده است. کارگری در گفتگو با روزنامه کیهان (۴ دی) می‌گوید: "بیشتر ضرر و زیان به ما می‌خورد برای اینکه وقتی برق خاموش می‌شود تمام کارها می‌خواهد و کارهایی که وجود دارد و همیشه بدون برق انجام داد به تعداد محدودی مثلاً ۱۰ نفر می‌رسد در حالیکه تولیدی ما ۳۰ نفر کارگر دارد و وقتی برق قطع می‌شود ما بیکار می‌شویم..." و کارگر دیگر می‌گوید: "همین الان که برق رفت اتفاقاً من از کارفرما پرسیدم مزد سه ساعت ما را که نمیدی پس ما چه بخوریم اونم جواب دادها؟"

خاموشی برق با کاهش سطح تولید و افزایش هزینه آن همراه است که سنگینی آن از طریق گرانی و کمبود کالاها بر دوش کارگران و زحمتکشان تحمیل می‌شود.

فتح الله دیانت، آنکه آذر خشی در سینه داشت

فدایی خلق فتح الله دیانت، آخرین بار در مردادماه ۶۷ بود که با خانواده اش در زندان دیدار داشت. وی در این دیدار هدیه ای از بند برای خانواده اش به همراه آورد که اکنون از او به یادگار مانده است. هدیه تابلویی است که فتح الله با آبرنگ در زندان نقاشی کرد. این تابلو، صحنه ملاقات دو دختر کوچکش را با پدر در محل زندان نشان می دهد. دخترکان لباسهایی به رنگ شاد و روشن بر تن و شاخه های گلی به رنگ زندگی در دست دارند. دخترها، گلها را به سوی دیوارهای زندان سردست گرفته اند. دیوارها مرتفع، قطور و سیاه رنگ اما کهنه و پوسیده و ترک خورده است. از پدر دستهای پیداست که میله های پنجره زندان را مشت کرده اند، اما چهره او نمایان نیست. چهره اش در سیاهی پشت پنجره زندان کم شده است...

کمتر از سه ماه بعد از آن دیدار، در ساعت چهار صبح روز دهم آن ماه، وقتی که بر تپه ای در اوین در برابر جوخه اعدام ایستاد، باز هم چهره اش پیدا نبود. در تاریکی پیش از پگاه، آنچه که از او دیده می شد سیاهی سایه ای بود که پس از فرش رگبار جوخه اعدام در خاک نشست و دیگر محو شد.

فتح الله دیانت در سال ۱۳۴۸ در تبریز به دنیا آمد. دیپلم متوسطه را از دبیرستان

دارالفنون تهران گرفت. در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه تهران شد و در پیوند با جنبش دانشجویی قرار گرفت. این جوان ورزشکار با آن صمیمیت، سرزندگی و تعورش به دانشجوی محبوی در دانشکده علوم تبدیل شد. همزمان با تحصیل دانشگاهی، تدریس در مدارس پائین شهر تهران را آغاز کرد. شیفته آموزگاری کودکان شد. راه صمد بهرنگی را در پیش گرفت. صمد راهشگانه دوست داشت. در سال ۱۳۵۰ پس از فارغ التحصیلی از رشته فیزیک گذراندن دوره سربازی را آغاز کرد. پس از آن برای طی دوره فوق لیسانس به خارج کشور رفت. در آمریکا، در جنبش دانشجویی علیه دیکتاتوری شاه رزم سرسختانه ای را پیش برد. به دعوات توسط پلیس آمریکا دستگیر و زندانی گردید. یکبار در شرف تحویل به ساواک بود. اعتراضات گسترده و مهاجرت دانشجویان توانست به انصراف پلیس آمریکا و رهایی او بیانجامد. فارغ التحصیلی او در سال ۶۵ با ترک برداشتن دیوار دیکتاتوری شاه همزمان گردید. فتح الله به میهن بازگشت و در جنبش قرار گرفت که نام، ای آفرین را برای به زیر کشیدن شاه برمی داشت. وی که بار دیگر کار تدریس دانش آموزان تهرانی را از سر گرفته بود، در پیشاپیش معلمان مبارز جای گرفت. در سازماندهی کانون مستقل معلمان

به گونه ای کارساز ایفای وظیفه کرد. همواره در صف مقدم تظاهرات مردم جای داشت. در جمعه خونین هفده شهریور، در آن صبحدم سرخ در میدان ژاله بود و به تصادف آن باراز مرگ جست. فدایی خلق فتح الله دیانت، آنکه از همان بدو طلوع سیاهکل راه فدایی را برگزید، در سال های پس از انقلاب بهمن به مثابه عضوی از سازمان مبارزه را پی گرفت. در سالهای دشوار پس از اغوا این رفیق منضبط و سرشار از انرژی خود را به آب و آتش می زد. بهیچ رو نمی توانست وقفه در کار و دلمردگی را بپذیرد. می گفت ما همراه با کوششی مضاعف برای برافراشته نگه داشتن پرچم نبرد، با خون خود هم که غده باید عوامل دلمردگی و تردید را بروییم و بزدا کنیم.

در ۱۸ شهریور ۶۵ این رفیق پر تحرک که دمی یاری ایستادن نداشت، به چنگ گز مه های خمینی افتاد. وی پیش از آن عزم استوار خود را برای مقاومت تاپای جان در زندان، با فروتنی و کمی حجب اینگونه بیان داشته بود که "رفقا! مطمئن باشید از مهلکه آتش زندان، بی آبرو گذر نمی کنم." و چه خوب به همدش وفا کرد. او از آن رفیقانی بود که با آن همه شکنجه لب نشود. دشمن از او به هیچ ردی از یارانش نرسید. چهار ماه مستمرا شکنجه شد و مقاومت کرد. مقاومت کرد تا رفیقان رها بمانند.

در سیاهچال های اوین از هر فرصتی بهره می گرفت تا دژ زندان، همچون دژ مقاومت عمل کند. شرکت در این اعتصاب غذا، تدارک آن اعتصاب، برپایی مراسم اول ماه مه، برگزاری گرامیداشت ۱۹ بهمن و... و در پی هر یک از آنها تخته شلاق او بسا اوقات حتی می کوشید یک تنه به نبرد برخیزد. خوی و خلقتش از سابق چنین بود. با پاسدارها درمی افتاد، زندانبانان را مسخره می کرد، ضوابط اتاق ملاقات را زیر پا می گذاشت و... و باز هم هر بار تخته شلاق.

مستنطق ها از مدت ها پیش به این حکم رسیدند که "این ملحد غیر قابل ارشاد است!"

فتح الله گهگاه با خود این شعر راز مزمه می کرد:

آذر خشی از سینه من روشن است
تندر توفنده فریادم است
هر کجا فریاد آزادی، منم
من در این فریاد هادم می زرم

در آن صبحگاه تاریک و سرد آن ماه که او را از خیابان پشت بند به سوی تپه اعدام می بردند، شاید همین شعر را زمزمه می کرد؛ با این اطمینان که نمریاست، زیرا که فریاد آزادی نامیراست و او در طنین فریادهای اردوی آزادی در گوشه گوشه میهن، در چهار گوشه جهان، جاری، جاودانه خواهد ماند.

اعتصاب دانشجویان علوم پزشکی ایران

با گسترش اعتصابات دانشجویی در سطح دانشگاه های شهرهای مختلف کشور، اخبار آن در مواردی به صورت رقیق شده و سرو پا شکسته به مطبوعات دولتی ره می یابد. از جمله آنها اعتصاب پر نمود دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران در ماه گذشته بود که در روزنامه کیهان چهارم دی ماه ۶۷ با زتاب یافت. در زیر متنی را که پیرامون این اعتصاب، در آن روزنامه به چاپ رسید می خوانید.

اعتراض جمعی از دانشجویان علوم پزشکی به کمبود امکانات و پذیرش بی رویه دانشجویان

جمعی از دانشجویان دوره بالینی، علوم پایه و فیزیوتراپی و آموزش علوم پزشکی ایران در روزی که به بیمارستان های محل کارورزی خویش، خودداری کردند و به نشانه اعتراض به پارهای از مسائل آموزشی و اجرایی و نحوه مدیریت، در حیاط دانشکده علوم پزشکی اجتماع کردند.

نماینده گان و چند تن از دانشجویان معترض در گفتگویی با گزارشگر کیهان علت اعتراض جمعی خود را چنین توصیف کردند:

۱- آموزش پزشکی فاقد برنامه ریزی مشخصی است و

۲- ظاهراً وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی عواققت کرده است که سه بیمارستان قلب، هاشمی نژاد و شهید اکبرآبادی را که متعلق به این دانشکده است به دانشکده شهید بهشتی واگذار کنند و سیاست های گذشته که بیمارستان ضحیه، لیاقتی نژاد، خاتم-

الانبیاء و مرکز طی کودکان به دانشکده شهید بهشتی و دانشگاه تهران و بنیاد شهید واگذار شده بود تا دوام پیدا کند و قلمرو های تجربی این دانشکده هر روز محدودتر و محدودتر گردد.

۳- در بنو تاسیس این دانشکده تنها ۸۰ دانشجو پذیرفته شد، در حالیکه سال ۶۶ حدود ۷۵۰ نفر دانشجو پذیرفته شده است، و معلوم است با کثرت دانشجویان، آینده علم پزشکی با امکانات محدود و اساتید انگشت شمار و بیمارستان های قلیل چقدر تیره و مهم خواهد بود.

۴- بر اثر بی کفایتی بعضی از مدیران، دانشجویان پزشکی هر روز شاهد صحنه های نامناسبی در بیمارستانها هستند. از جمله دیده می شود که در بعضی بیمارستانها مشخصان و پزشکان بالای سر مریضی حضور ندارند و اینترن ها که نمی دانند چکار کنند فقط شاهد جان کندن بیمار هستند.

۵- اساتدان دانشکده بر اثر ضعف مدیریت، یکی یکی از دانشکده رفته اند و یا راهتی خارج از کشور شده یا برای گرفتن تخصص محیط دانشکده و تدریس را ترک کرده اند.

۷- یکسال و نیم است که کمک هزینه دانشجویی به دانشجویان پرداخت نشده است و کتابهای خود را برای تأمین معیشت بفروشدند یا اینکه سازمانی کفی کنند و به کارهایی از این دست اشتغال ورزند و در نتیجه ماهیت مثل مقدس پزشکی هر آینده زیر سؤال می رود.

۸- برخورد کارمندان این دانشکده با دانشجویان محترمانه نیست.

در پایان دانشجویان خواستار حل مشکلات فوق شدند.

استعفای نماینده نهادند در مجلس اسلامی

احمد زمانیان، نماینده معاونت در مجلس شورای اسلامی، روز چهارشنبه ۲۸ دی ماه در جلسه علنی مجلس با اشاره به درگیری‌های جناح‌های حکومتی در نهادند، اعلام داشت که به علت فشار و تهدید مخالفین خود در نهادند دیگر قادر به ادامه فعالیت نمایندگی به نام نهادند در مجلس نیست و استعفا داد. وی از تربیون مجلس خطاب به خمینی اظهار کرد: «از تو مدد می‌جویم و اعلام می‌دارم که در محیط پر از اضطراب و رعب و وحشت نهادند قادر به انجام وظایف نمایندگی نیستیم و با تشکر از مردم به خاطر انتخاب اینجانب در سه دوره نمایندگی مجلس، استعفای خود را تقدیم ریاست مجلس شورای اسلامی می‌کنم.»

وی پیش از اعلام استعفای خود به سابقه اختلافات و کشمکش‌های گردنکشان جمهوری اسلامی در نهادند پرداخت و فاش کرد که علیرغم اطلاع بازرسی کل کشور، دادسرای انتظامی قضا و پزشکی قانونی پرونده تحقیق حوادث تکان‌دهنده محلی به بایگانی سپرده شد و مسئولان قضایی به جای مجازات متخلفان، «عامل ظلم و ستم و رعب و وحشت را مجدداً بر مسند قدرت نشانند و اکنون با تمام قدرت نه بر کرسی قضاوت بلکه بر مسند انتقام‌جویی از شاکیان و گزارش‌دهندگان نشست است.»

از میان دیگر رویدادها

معاون وزیر فرهنگ و آموزش عالی در گفتگوی مطبوعاتی اعلام داشت که ثبت نام کنکور سراسری سال آینده دانشگاه‌ها از ۲۵ بهمن ماه آغاز می‌شود. داوطلبان برای ارسال مدارک ۲۰ روز فرصت دارند، آزمون نیز روزهای ۸، ۹ و ۱۰ تیر ماه برگزار خواهد شد. معاون وزیر فرهنگ و آموزش عالی تأکید کرد که برگزاری به موقع کنکور سال آینده به تأمین کاغذ بستگی دارد. امسال هزینه ثبت نام داوطلبان ۵۰۰ ریال نسبت به سال قبل افزایش یافته و بنا به تصویب مجلس، قرار است ۴۰ درصد ظرفیت دانشگاه‌ها به بسیجیان حزب الهی اختصاص یابد.

دو هفته پیش، منتظری به‌طور ناگهانی به دیدار خمینی رفت و در چهاران با وی به‌طور خصوصی به گفتگو پرداخت. از طریق منابع دولتی جزئیات گفتگوی خمینی با منتظری فاش نشده است. برخی گزارش‌ها، حاکی است که پیش از دیدار منتظری با خمینی، دونا به سوی منتظری پیرامون تحولات جاری و اقدامات شورای عالی قضایی به چهاران ارسال شده است. خبر دو هفته گذشته همدلی از آن‌هاست که در رابطه با فعالیت‌های مهدی هاشمی دستگیر شده بودند، به تأیید چهاران اهدام شده‌اند. در دیدار منتظری با خمینی، هادی هاشمی برادر مهدی هاشمی حضور داشت.

از میان ۶۵۳ روستای شهرستان کنبند ۱۲ روستای این شهرستان فاقد مدرسه و معلم هستند. بنا به توضیحات مسئولان «نهضت سوادآموزی» کنبند ۴۹ درصد افراد سنین ۶ سال به بالای کنبندی سواد هستند.

سفر خامنه‌ای به اتریش و موسوی به ترکیه

دوشنبه ۹ بهمن وزیر کشور جمهوری اسلامی برای ملاقات با همتای ترک خود وارد آنکارا شده است. محتشمی در ترکیه با وزیر کشور و تورگوت اوزال نخست‌وزیر مبادله اطلاعات امنیتی میان ایران و ترکیه، فعالیت مشترک در منطقه مرزی، چگونگی برخورد با پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم ترکیه و... مورد بررسی قرار خواهد داد.

هم‌اکنون جمهوری اسلامی مشغول تدارک برنامه «استقبال گرم» از وزیر امور خارجه فرانسه است. مهمان فرانسوی جمهوری اسلامی روز ۱۵ بهمن وارد تهران خواهد شد.

میزبانی از رولان روماوزیر خارجه فرانسه برای جمهوری اسلامی به لحاظ سیاسی و اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ملی خامنه‌ای رئیس‌جمهور، اواخر ماه فوریه برابر با اوایل اسفندماه برای ملاقات با مقامات اتریشی وارد وین خواهد شد. هنوز تاریخ دقیق ورود خامنه‌ای اعلام نشده اما بنا به نوشته روزنامه کیهان، احتمالاً سوم اسفند یا پنجم اسفند خواهد بود.

«الویزهای» وزیر امور خارجه اتریش در مصاحبه با تلویزیون این کشور ضمن تأیید خبر سفر خامنه‌ای، اعلام داشت که وی نیز در ماه ژوئن برای یک ملاقات رسمی به ایران سفر خواهد کرد.

در فاصله سفر خامنه‌ای به اتریش، موسوی نخست‌وزیر راهی ترکیه خواهد شد. بنا به گزارش خبرگزاری دولتی سفر موسوی به ترکیه تا چند هفته آینده صورت خواهد گرفت. از روز

نهضت آزادی در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می‌کند

- نهضت آزادی ایران - مهدی بازرگان
- گروه امر به معروف و نهی از منکر - محسن سیداسماعیلی
- جمعیت زنان جمهوری اسلامی - زهرا مصطفوی (دختر خمینی)
- جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)
- وفاداران نواب صفوی - فدائیان اسلام - عبد خدایی
- نهضت مجاهدین خلق ایران - لطف‌الله میثمی
- جمعیت دفاع از آزادی - محمد توسلی (شهردار سابق تهران)
- جامعه‌الصادق - بنی‌الله شوکت لطفی‌پور
- کانون هدایت - علی‌اکبر خوشگو
- جامعه اسلامی مهندسان کشور
- جامعه اسلامی فارغ‌التحصیلان هندوستان - محمود میرلوحی
- جامعه فارغ‌التحصیلان دانشکده علم و صنعت - محمد حبیبیان
- حزب محاد اسلامی - قلامر ضاجباری

نخست‌وزیر سابق جمهوری اسلامی مهدی بازرگان هفته گذشته با روزنامه «تهران تایمز» - روزنامه انگلیسی‌زبان چاپ تهران - به مصاحبه پرداخت و برنامه فعالیت آتی «نهضت آزادی» را که توسط وی رهبری می‌شود، تشریح کرد. بازرگان اعلام داشت که قصد دارد ابعاد فعالیت «نهضت آزادی» را گسترش دهد و به صورت یک حزب سراسری فعال سازد. مهدی بازرگان که در ماه گذشته با آغاز ثبت نام «فعالیت احزاب» از وزارت کشور برای ادامه فعالیت نهضت آزادی تقاضای پروانه کرده است، اظهار کرد که قصد دارد در انتخابات ریاست جمهوری آینده که در مردادماه برگزار می‌شود کاندیدامعرفی کند.

علاوه بر «نهضت آزادی» طبق گزارش مطبوعات دولتی تاکنون ۳۲ گروه، انجمن و حزب از وزارت کشور جمهوری اسلامی تقاضای فعالیت سیاسی کرده‌اند.

اسامی برخی احزاب، گروه‌ها و انجمن‌ها که نام آنان از سوی وزارت کشور به عنوان متقاضی فعالیت اعلام شده است، عبارتند از:



به علت کمبود داروهای حیاتی در کشور، همه داروی تجویز شده مورد نیاز بیماران تحویل به علت کمبود داروهای حیاتی در کشور، همه داروی تجویز شده مورد نیاز بیماران تحویل داده نمی‌شود. عکس از صف مردم در برابر داروخانه‌های سلمان و ابوذر در تبریز گرفته شده است.

برگ نو آورد درخت نارون

شعر زیر تو سطیک کودک ده ساله برای بستگانش در خارج کشور فرستاده شده است

در این نبرد

آنچه در زیر می خوانید، سروده کوتاهی از یک ندائی خلق است که با نام مستعار "زه آورد" از تهران برای ما فرستاده شد:

**در این نبرد
بیشماری از ما خواهد ماند
و بیشماری به مرگ خواهند پیوست
و اینگونه زیستن در حاکمیت جلادان
نه آنرا که رفتند از مرگ دریغی است
و نه اینانرا که ماندند بیمی است از نبرد
تا سپیده دمان پیروزی خلق
تهران - "زه آورد"**

بچه اش صد تا عموداره

"دلی مانند کوه داره، بچه اش صد تا همو داره، بچه اش صد تا همو داره...
مادر با چشمان اشکبارش؛ اشکبار از داغ همسر از دست رفته، برای کودکش، این یادگار عزیز، لالائی میخواند و به او دلداری میدهد، به او نوید می دهد که صد تا همو دارد. همو ها چه می کنند؟... همو های متیم و وطن، که با گوشت و پوست خود فاجعه را لمس کرده اند بر حسب توانایی خود که چندان هم زیاد نیست به یاریش شتافته و می شتابند، اما با اوضاع امروزین ایران جهنم شده، ایران گرانی و بیکاری و مشکلات، مگر این همو ها، به این خیل عظیم شهید داده، قادر به چه میزان یاری هستند؟ ما، که در خارج... افشاگریها میکنیم، عکسها از گورهای دسته جمعی را به انظار جهانیان میرسانیم و جنایات خفاشان را همیان می کنیم. برای فرزندان شهید که همسایه امان، همشهریمان، هم مدرسه ایمان، هم مسلکمان، دوستانمان، فامیلیمان است، برای آن همسر شهید که اینک از کار بیکار شده و نه کار دارد و نه پول، چه کمک مادی ملموسی می کنیم، در نظر آورید که بسیاری از ما که امروز در خارج هستیم، اگر در ایران مانده بودیم چه بسا زندانی می شدیم، در زندان به فرزندانمان، به همسرمان، به اوضاع نابسامان اقتصادی آنها، می اندیشیدیم و نگران آنها بودیم،
.. آیا در آن شرایط توقعی از دوستانمان، هم فکریانمان، هم مرامانمان... نداشتیم که لااقل یادگار ما را، فرزند و همسر ما را دریابند و به یاریشان بشتابند؟
آری دوستانمان، اگر چه آن شهیدان چنین توقعی را از ما نداشتند، اما بر ماست که مسئولانه و وظیفه خود را در یاری رسانی مالی به خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی... دریابیم و بمر شکلی که می توانیم وظیفه خود را از همین خارج کشور انجام دهیم...
همسرش، از روی ناچاری و برای آنکه کارش را از دست ندهد مجبور به رفتن سرکار شد.
همسر شهیدی تلفنی به برادرش در خارج از کشور می گفت که دیگر در خانه چیزی برای فروش ندارد تا خرج زندگی را بگذارد.
... که در عمل به اثبات برسانیم که: بچه اش صد تا همو داره!"

فصل با بیز روزستان ما سرد
بار دیگر چون بهاران می شود
از زمین خشک روید گیاه
بگردد نوار درخت نارون
گل نمند در بر سر گلبرگ
باز آید پرسترنه جوان
چشمه جوش آب سینه برآه
سبز گردد شاخساران کهن
پر کند بوس خرسی گل باغ را
باز سازد در این آستان

گرانی طاقت فرسات

است. کلیشه نوشته ای از یکی از این روزنامه ها (کیهان ۴ دیماه ۱۳۶۷) را در این صفحه مشاهده می کنید.
جدول زیر از یک نامه ارسالی از داخل گرفته شده است که بهای برخی از کالاها را در شهر ارومیه در دی ماه سال جاری نشان می دهد:

نان	دانه ای
قند و شکر	یک کیلو
کبریت	دانه ای
آجر	دانه ای
شن	هر کامیون
تیر آهن	شاخه ای
آلومینیوم	یک کیلو
مزدبنا	روزانه
اجاره خانه	ماهانه حداقل
بلیط سینما	تغری
پسته	یک کیلو
بادام	یک کیلو
تخمه کدو	یک کیلو
بستنی	۱۰۰ گرمی
شیر کاکائو	هر بست
شیر پاستوریزه	هر بسته

عای بی رنگ باشد و قیمت گران، گرانتر از روز قبل بر روی کالاها نصب می شود. هر چند در زمان سال جاری پس از اعلام آن شبی سولک اصلی فقط برای خودروی بدلالان و واسه و تراش و زمان وارد آمدن و قیمت کالاها سر به قوط کرد اما بیشتر میرسد سوجوبان و فرصت طلبان چندی است که بخوبی موفق شده اند از تهیه ضروریات وارد شده برآمده و مجدداً به سودهای ناانگیزانه دست یابند.
بهرشهری آنچه در زمان حاضر برای کالاها حاکم می باشد همان قیمت عالی است که از سوی دولت و واسطه ها و بنگداران اعلام می شود. برآمده نیز حرج احقر میزند و مصرف کنند عم مجبور است که قیمت ناانگیزی قیمت های بی ضابطه کالاها را بپذیرد که عجبانه مادر بچه آنها نیست بر این رهگش آنجه از سوی مردم اعلام میشود این است که برای یک مرتبه کنترل

کیمیاگان
یکشنبه ۴ دی ۱۳۶۷ - ۱۵ جمادی الاول ۱۴۰۹

گزارشروانی که در پی اعلام پذیرش قصنامه ۱۳۶۷، به حال برگ افتاده بودند اینک جانی تازه کرده و حریص تر از گذشته بیکهتازی پرداخته اند. در این میان هیچ ضابطه ای نیز برای کنترل قیمتها وجود ندارد و مصرف کننده بدست نمی آید اولاً ناآی باید بخوبی بی تاوانیها را بخورد ثانیاً در صورت وجود تکلیت به کدام نهاد و سازمان و اداره مراجعه نماید و یا خرج خود را بچه کسی در میان بگذارد. آنچه در حال حاضر در بازار مصرف مشاهده می شود این است که قیمت ها زنجیر پاره کرده و انفجار کجحت همچنان پیش می روند کوئی سرباز ایسان ندارد. هر روز که میگذرد قیمت روز

جهانیان در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی:

ای جلاد ننگت باد! ای جلاد مرگت باد!

آلمان فدرال

شهر دارالدنبرگ:

حکومت و وحشت در ایران باید پایان یابد



«با همه سازمانهای دمکراتیک ایران، از جمله سازمان فدائیان و رزیده‌هاست.» خلق ایران (اکثريت) تاکید

تظاهرات ۲۵۰ نفری در مونیخ

اتحادیه ضدفاشیستهای آلمان فدرال و ائتلاف انتخاباتی «لیست صلح» در ایالت بایرن این کشور مشترکاً دعوت به تظاهراتی در مرکز شهر مونیخ در اعتراض به کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی ایران کردند. در این تظاهرات که در روز ۱۴ ژانویه برگزار شد، بیش از ۲۵۰ تن از هموطنان ما و شهروندان آزادیخواه آلمانی شرکت داشتند. در میتینگی که پس از تظاهرات مزبور برگزار شد، پتر کینگولد عضو هیات رئیسه

اتحادیه ضدفاشیستهای آلمان فدرال و ائتلاف انتخاباتی «لیست صلح» در ایالت بایرن این کشور مشترکاً دعوت به تظاهراتی در مرکز شهر مونیخ در اعتراض به کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی ایران کردند. در این تظاهرات که در روز ۱۴ ژانویه برگزار شد، بیش از ۲۵۰ تن از هموطنان ما و شهروندان آزادیخواه آلمانی شرکت داشتند. در میتینگی که پس از تظاهرات مزبور برگزار شد، پتر کینگولد عضو هیات رئیسه



فعالیت های ایرانیان و نیروهای ترقیخواه آلمان در نورنبرگ

نورنبرگ در این تظاهرات شرکت داشت. در قطعنامه تظاهرات آمده است که رژیم خمینی نیز باید مانند رژیم آفریقای جنوبی تحریم اقتصادی شود. حزب سبزها در شهر نورنبرگ طی نامه‌ای به سفارت جمهوری اسلامی، به اعدام زندانیان سیاسی ایران اعتراض کرده و این جنایات را با جنایات نازی‌ها مقایسه کرده است. فراکسیون حزب سبزها در انجمن شهر نورنبرگ نیز طی بقیه در صفحه ۱۱

در روز ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸، جمعی از ایرانیان مقیم نورنبرگ آلمان فدرال در مرکز این شهر گرد آمده، در اعتراض به قتل‌عام زندانیان سیاسی ایران و نیز سکوت رسانه‌های آلمانی در این مورد دست به تظاهرات زدند. رامپیمایان در حرکت به سوی ساختمان دو روزنامه و یک رادیوی محلی، شعارهایی در محکومیت رژیم خمینی می‌دادند. خانم سوفی ریگر نماینده حزب سبزها در انجمن شهر

«من به اینجا آمده‌ام تا با شما اعلام همبستگی کنم. از طرف خود و بسیاری از مردم الدنبرگ از شما پشتیبانی می‌کنم.» حکومت و وحشت در ایران باید پایان یابد. این، جملاتی است که هورست میلده، شهردار شهر الدنبرگ آلمان فدرال، هنگام مراجعه به محل اعتصاب غذای گروهی از ایرانیان مقیم این شهر علیه موج اهدام‌های اخیر بیان داشت. اعتصاب غذای شهر الدنبرگ در ایام عید میلاد مسیح در یک کلیسا برگزار شد و ۸ روز ادامه یافت. از این اعتصاب غذا، علاوه بر شهردار الدنبرگ، شخصیت‌ها و گروه‌های زیر اعلام حمایت کردند: *میشائل باکسندر رئیس دانشگاه الدنبرگ

اعتراض اتحادیه سندیکایی آلمان - کاسل

فعالین سندیکایی خود را موظف می‌دانیم علیه این قتل‌عام زندانیان سیاسی در ایران به شدیدترین وجه اعتراض کنیم. اتحادیه سندیکایی آلمان در کاسل، اعدام آزادیخواهان ایرانی را به عنوان اقدامی ضد بشری شدیداً محکوم کرده و بر همبستگی خود سازمان ولایتی اتحادیه سندیکایی آلمان (فدرال) در نامه‌ای که خطاب به خمینی و رفسنجانی نوشته است، با اشاره به اهدام‌های جمعی زندانیان سیاسی ایران خاطر نشان می‌کند: «این یک جنایت دیگر و ادامه قتل، ترور و جنگ در ایران است. ما به عنوان

فهرست اسامی ۶۰۸ تن از قربانیان کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران

فهرست پیشین مکرراً درج گردیده در فهرست این شماره با حذف موارد تکراری تدقیق شده‌اند، ما احساس خرسندی می‌کنیم که با وجود دشواری کار گردآوری اسامی شهیدان و انتشار فوری آنها، موارد نادقیق، محتاج تغییر در فهرست‌های پیشین، بسیار اندک بوده است. با توجه به بعد فاجعه، فهرست منتشره هنوز با فهرست کامل قربانیان قتل عام فاصله بسیاری دارد. ما برای تکمیل آن و تدقیق فهرست منتشره از خوانندگان نشریه و همه ایرانیان ضد استبداد طلب یاری می‌کنیم. ما هم چنین انتظار داریم در باز تکثیر این فهرست و رساندن ترجمه آن به جماع بین المللی، رسانه‌ها و ... بلادرنگ عمل شود. این وظیفه‌ای دراز مدت است که بی‌وقفه باید دنبال شود. جهت تسهیل کار تکثیر فهرست منتشره در این شماره، ما کوشیدیم مجموعه اسامی در چهار صفحه گنجانده شود. به این منظور به ناچار مشخصه سازمانی شهدا به اختصار آمده است.

مجموعه زیر فهرستی از اسامی ۶۰۸ تن از شهدای قتل عام زندانیان سیاسی بدست رژیم خونخوار خمینی است که تاکنون توسط ما شناسایی شده‌اند. این فهرست اسامی بخشی از زندانیان سیاسی اعدام شده پس از مقطع پذیرش قطعنامه صلح را شامل می‌شود. آخرین مجموعه که در اکثریت ۲۳۹ منتشر گردید، اسامی ۴۴۰ تن از شهیدان را در برداشت. پس از آن در شماره‌های ۲۴۰ و ۲۴۱ نشریه به ترتیب اسامی ۶۰ و ۲۸ تن دیگر نیز درج گردید. بدین ترتیب تا شماره ۲۴۱ اسامی ۵۳۸ تن از قربانیان این فاجعه آمده است. طی دو هفته گذشته کوشش‌های ما به گردآوری اسامی باز هم بیشتری انجامید. علاوه بر این ما توانسته‌ایم اسامی مندرج در فهرست‌های پیشین را بر اساس اطلاعات تازه تدقیق و تصحیح نماییم. چندانم که طی این فاصله پیرامون آنها اطلاعات نقیضی بدست ما رسید. از فهرست کنونی حذف گردیده‌اند، برخی از اسامی که در گزارش‌های مختلف با املاهای متفاوت و یا اسامی کوچک مختلف و بعضاً به تکرار با نام سازمانی آمده‌بود و بناچار در

- | | | |
|--|---|---|
| ۱- یوسف آبخون (از راه کارگر) | ۴۰- اسماعیلی (مجاهد) | ۸۲- ناصر بدری |
| ۲- گل‌علی آتیک (توده‌ای) | ۴۱- حکمت اسماعیل (از کومه) | ۸۳- حبیب بدن آرا (مجاهد) |
| ۳- حسن آخر خوب (از کومه) | ۴۲- اسدالله اسمعی | ۸۴- مسعود برنجیان (مجاهد) |
| ۴- فاطمه آداب آواز | ۴۳- فاطمه اشراقی (فدایی خلق - اکثریت) | ۸۵- فریبرز براتی (مجاهد) |
| ۵- حسین آداب آواز | ۴۴- مجید اصلانی (مجاهد) | ۸۶- قاسم بستانکی |
| ۶- عصمت آداب آواز | ۴۵- سرهنگ ابو القاسم افرایمی (توده‌ای) | ۸۷- رثوف بلدی (هنرمند نقاش) |
| ۷- حبیب آذرآز (فدایی خلق - اکثریت) | ۴۶- حمید انصاری (مجاهد) | ۸۸- خالد بلقازی (از حزب دمکرات) |
| ۸- سعید آذرنگ (توده‌ای) | ۴۷- دکتر محمد حسین اکبرزاده یوسفی | ۸۹- حسن بلور (از حزب دمکرات) |
| ۹- کیان آذروش (فدایی خلق - ۱۶ آذر) | ۴۸- کسری اکبری کردستانی (توده‌ای) | ۹۰- کامران بوئینی (مجاهد) |
| ۱۰- اصغر آراسته (فدایی خلق - اکثریت) | ۴۹- محمود اکبری (مجاهد) | ۹۱- کیومرث بوئینی (مجاهد) |
| ۱۱- شمس‌الله (امیر) آراین (فدایی خلق - اکثریت) | ۵۰- رضا اکرامی | ۹۲- اکبر بهزادپور (فدایی خلق - اکثریت) |
| ۱۲- مهر انگیز آفاق (فدایی خلق - اکثریت) | ۵۱- بهروز اکرمی (چریک فدایی - اقلیت) | ۹۳- منوچهر بهزادی (توده‌ای) |
| ۱۳- سیاوش آقاچان زاده | ۵۲- اقبال فرزند سوور (اعدام شده در زندان سقر) | ۹۴- سیامک بهزادی |
| ۱۴- مصطفی آل شفیع (مجاهد) | ۵۳- ناصر الماسیان (فدایی خلق - اکثریت) | ۹۵- بهزادی (مجاهد) |
| ۱۵- مختار آوی هنگ (از کومه) | ۵۴- سیامک الماسیان (چریک فدایی - اقلیت) | ۹۶- محمود به کیش (فدایی خلق - اکثریت) |
| ۱۶- مرزیه آیت‌الله زاده شیرازی (مجاهد) | ۵۵- حمزه الماسی (فدایی خلق - اکثریت) | ۹۷- علی به کیش (چریک فدایی - اقلیت) |
| ۱۷- اسد ابراهیمی (فدایی خلق - اکثریت) | ۵۶- کمال الیاسی (از کومه) | ۹۸- بهرام بیداریان (مجاهد) |
| ۱۸- سرگون ابراهیمی | ۵۷- پرویز الهی (فدایی خلق - اکثریت) | ۹۹- ناخدا محسن بیگلری (توده‌ای) |
| ۱۹- مهت ابراهیمی (فدایی خلق - اکثریت) | ۵۸- سعید امامی (مجاهد) | ۱۰۰- دکتر بیژن (چریک فدایی - اقلیت) |
| ۲۰- مصطفی ابراهیمی | ۵۹- احمد انصاری (فدایی خلق - اکثریت) | ۱۰۱- اکبر بیژنی (مجاهد) |
| ۲۱- مرزیه‌الله ابراهیمی گودرزی | ۶۰- محسن انصاری (مجاهد) | ۱۰۲- امیر مهران بی‌شم (مجاهد) |
| ۲۲- رحیم ابراهیمیان (اعدام شده در زندان ارومیه) | ۶۱- فلامر ضاویسی (توده‌ای) | ۱۰۳- محمد بیگدلی حسین - فدایی خلق - ۱۶ آذر) |
| ۲۳- دکتر خلیل ابرقویی (توده‌ای) | ۶۲- مصطفی ایزدی | ۱۰۴- کمال‌الدین پاکدل (فدایی خلق - اکثریت) |
| ۲۴- محمد احمد نژاد (اعدام شده در زندان سقر) | ۶۳- ناصر ایلیخانی (توده‌ای) | ۱۰۵- محمد علی پرتوی (مبارز و زندانی سیاسی) |
| ۲۵- ابوبکر احمدی | ۶۴- مجید ایرانی (چریک فدایی - اقلیت) | ۱۰۶- سرشناس دوران ستمشاهی) |
| ۲۶- اشرف احمدی (مجاهد) | ۶۵- جمشید باباها | ۱۰۷- (بهرام) پرتوی (توده‌ای) |
| ۲۷- جمیل احمدی - آرام - (از کومه) | ۶۶- ستار بابانژاد | ۱۰۸- اسدالله پژمان (فدایی خلق - اکثریت) |
| ۲۸- پیروز اصیا (فدایی خلق - اکثریت) | ۶۷- تیمور بابایی | ۱۰۹- پناهنده |
| ۲۹- ناصر اخوان اقدم (فدایی خلق - ۱۶ آذر) | ۶۸- خالد بابایی (از حزب دمکرات) | ۱۱۰- سید محمود پناهی |
| ۳۰- احمد ادریسیان (توده‌ای) | ۶۹- بازگان (توده‌ای) | ۱۱۱- مهر دادپناهی شبستری |
| ۳۱- سیروس ادیبی (فدایی خلق - اکثریت) | ۷۰- بیژن بازگان (از اتحادیه کمونیستها) | ۱۱۲- اسدالله پنجه‌شاهی |
| ۳۲- فلامر ضاادیبی (توده‌ای) | ۷۱- یحیی باقبنی (مجاهد) | ۱۱۳- علینقی پور احمدی (فدایی خلق - اکثریت) |
| ۳۳- شاهپور استواری (توده‌ای) | ۷۲- محمد باقی (مجاهد) | ۱۱۴- محمدپور هرمرزان (توده‌ای) |
| ۳۴- خسرو اسدی | ۷۳- بهمن باقرزاده (فدایی خلق - اکثریت) | ۱۱۵- اسماعیل پور محمدی (فدایی خلق - اکثریت) |
| ۳۵- اسفندیاری (فدایی خلق - اکثریت) | ۷۴- ابوتراب باقرزاده (توده‌ای) | ۱۱۶- عباس پور ساحلی (مجاهد) |
| ۳۶- علیرضا اسکندری - شاهپور (فدایی خلق - اکثریت) | ۷۵- زینب باقری (مجاهد) | ۱۱۷- هوشنگ پیر نژاد |
| ۳۷- جمال اسکندری (از کومه) | ۷۶- عبدالعظیم باقری (مجاهد) | ۱۱۸- بهزاد پور نوروز (مجاهد) |
| ۳۸- صمد اسلامی (فدایی خلق - اکثریت) | ۷۷- طاهر بالاتی (مجاهد) | ۱۱۹- حمید تاج‌دینی (فدایی خلق - اکثریت) |
| ۳۹- مرتضی اسلامی (فدایی خلق - اکثریت) | ۷۸- احمد بانی چنگ‌لو | ۱۲۰- تاجگردان |
| | ۷۹- صلاح باور نیر (از کومه) | ۱۲۱- کریم تالابی |
| | ۸۰- اسماعیل بحرینی (توده‌ای) | ۱۲۲- محسن تراب‌زاده (مجاهد) |
| | ۸۱- بخت‌آبادی | |

- ۱۲۳- احمد ترابی (مجاهد)
 ۱۲۴- علیرضا تشدید (از راه کارگر)
 ۱۲۵- تقوی
 ۱۲۶- ۱۳۰- عضو خانواده تقی زاده
 ۱۳۱- علی تو تو نجیان
 ۱۳۲- توشزی (مجاهد)
 ۱۳۳- ابراهیم توکل (مجاهد)
 ۱۳۴- جابر تهران کعبی
 ۱۳۵- ثابتی (مجاهد)
 ۱۳۶- فریدثانی
 ۱۳۷- ثابتیان
 ۱۳۸- احمد ثقلینی - بهرام بهتاش - (فدایی خلق - اکثریت)
 ۱۳۹- دکتر جعفر جاویدنر (توده‌ای)
 ۱۴۰- جلیل جباری (فدایی خلق اکثریت)
 ۱۴۱- مولا جنبلی (مجاهد)
 ۱۴۲- ابوبکر جدیدالاسلام (توده‌ای)
 ۱۴۳- عباس جعفری
 ۱۴۴- حسن جلالی (توده‌ای)
 ۱۴۵- محمدرضا جلالی فر (توده‌ای)
 ۱۴۶- اسماعیل جمیلی (توده‌ای)
 ۱۴۷- قاسم جوان شجاع (مجاهد)
 ۱۴۸- حسین جودت (توده‌ای)
 ۱۴۹- جعفر جهانگیری (چریک فدایی اقلیت)
 ۱۵۰- ابراهیم چاوشی
 ۱۵۱- فریبا چنگیزی (مجاهد)
 ۱۵۲- ابراهیم چوبدار (مجاهد)
 ۱۵۳- محمد حاتمی
 ۱۵۴- هدایت‌الله حاتمی (توده‌ای)
 ۱۵۵- امیر حاتمی (مجاهد)
 ۱۵۶- امیر حسین حاج محسن
 ۱۵۷- فرهاد حاج میرزایی (از کومه)
 ۱۵۸- اسحاق حاج ملکی (توده‌ای)
 ۱۵۹- لیلی حاجیان نژاد (مجاهد)
 ۱۶۰- مجازی
 ۱۶۱- نادر حبیبی فولاد کلاهی (فدایی خلق - اکثریت)
 ۱۶۲- عباس حمیری بجمستانی (توده‌ای)
 ۱۶۳- محسن حریری (مجاهد)
 ۱۶۴- منصور حریری (مجاهد)
 ۱۶۵- محمود حسن پور اصل (فدایی خلق - اکثریت)
 ۱۶۶- ابراهیم حسن پور شیرازی (توده‌ای)
 ۱۶۷- مهدی مصنی پاک (توده‌ای)
 ۱۶۸- حسن حسن پور (از کومه)
 ۱۶۹- محسن حسین نژاد
 ۱۷۰- شفیع حسین پور (توده‌ای)
 ۱۷۱- رحیم حسین پور رودسری (از راه کارگر)
 ۱۷۲- محمد حسین خانی (توده‌ای)
 ۱۷۳- حمید حسینی
 ۱۷۴- پرویز حسینی (چریک فدایی اقلیت)
 ۱۷۵- محمود حسینی
 ۱۷۶- امیر حسین حسینی (مجاهد)
 ۱۷۷- فلام حق بیان (از کومه)
 ۱۷۸- حسن حقیقت (مجاهد)
 ۱۷۹- عبدالعلی حقیقیان رودسری (مجاهد)
 ۱۸۰- حمید حقی منیع (مجاهد)
 ۱۸۱- ناصر حلیمی اصل (فدایی خلق اکثریت)
 ۱۸۲- علی نقی حمیدیان
 ۱۸۳- ناهید حوائجی (فدایی خلق اکثریت)
 ۱۸۴- حیاتی (چریک فدایی اقلیت)
 ۱۸۵- احمد حیدرزاده (توده‌ای)
 ۱۸۶- شهریار حیدری (از کومه)
- ۱۸۷- ظفر حیدری
 ۱۸۸- کریم حیدر نژاد
 ۱۸۹- علی خاتونی (از کومه)
 ۱۹۰- محمدتقی خاشع (فدایی خلق اکثریت)
 ۱۹۱- تقی خان (فدایی خلق اکثریت)
 ۱۹۲- حسین خانباپور (فدایی خلق اکثریت)
 ۱۹۳- اسعد خاموشی
 ۱۹۴- حمید خاورپور (مجاهد)
 ۱۹۵- خدامراد (مجاهد)
 ۱۹۶- جمشید خردوزی (از کومه)
 ۱۹۷- طاهره خسرو آبادی
 ۱۹۸- پرویز خسروی (چریک فدایی اقلیت)
 ۱۹۹- خسرو خسروی
 ۲۰۰- مهر داد خسروی (مجاهد)
 ۲۰۱- مصطفی خضری (اعدام شده در زندان سبز)
 ۲۰۲- ابوالحسن خطیب (توده‌ای)
 ۲۰۳- اکبر خطیبی (توده‌ای)
 ۲۰۴- خطابی
 ۲۰۵- شهریار خلیقی (مجاهد)
 ۲۰۶- خفاپار خواجهیان - فرامرز (فدایی خلق - اکثریت)
 ۲۰۷- حمید خواجه‌گیری (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۰۸- حسن خوانساری (مجاهد)
 ۲۰۹- کاظم خوشابی (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۱۰- کاظم خوشدل
 ۲۱۱- کریم خوش‌تفلاک (از کومه)
 ۲۱۲- فرزاد دادگر (توده‌ای)
 ۲۱۳- دادمرزی (توده‌ای)
 ۲۱۴- بهرام دادور (توده‌ای)
 ۲۱۵- اسدالله داریک‌بندی
 ۲۱۶- ابراهیم دانایی
 ۲۱۷- دکتر احمد دانش‌شریعت پناهی (توده‌ای)
 ۲۱۸- بهرام دانش (توده‌ای)
 ۲۱۹- منصور داوران (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۲۰- محمدتقی داه‌ودی (مجاهد)
 ۲۲۱- ۲۲۵- عضو خانواده داوودی
 ۲۲۶- حسین درویدیان (مجاهد)
 ۲۲۷- سیدلادرویش‌کهن (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۲۸- محمددریاباری (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۲۹- حسن دشت‌آرا (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۳۰- منصور دلال زاده
 ۲۳۱- رضا دلاور
 ۲۳۲- محسن دلیجانی (توده‌ای)
 ۲۳۳- علی رضادلیلی (توده‌ای)
 ۲۳۴- محمدرضادلیلی (توده‌ای)
 ۲۳۵- لیلی دلیلی (مجاهد)
 ۲۳۶- حمید دوست محمدی
 ۲۳۷- علی رضادولتی (چریک فدایی اقلیت)
 ۲۳۸- احمد دهنادی
 ۲۳۹- فتح‌الله دیانت (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۴۰- محمدحسن (منصور) دیانک شوری
 ۲۴۱- (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۴۲- حمیددین خواه (از راه کارگر)
 ۲۴۳- اسماعیل ذوالقدر (توده‌ای)
 ۲۴۴- پرویز ذوالفقاری
 ۲۴۵- اصغر رادمنش (مجاهد)
 ۲۴۶- راستاک (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۴۷- محسن راسخ (توده‌ای)
 ۲۴۸- شهریار راضی (چریک فدایی اقلیت)
 ۲۴۹- تیمور راوندی (توده‌ای)
- ۲۵۰- طغان ربیعی (توده‌ای)
 ۲۵۱- جمشید رستمی (چریک فدایی اقلیت)
 ۲۵۲- محمدرضا رجالی فر (توده‌ای)
 ۲۵۳- محمدرضا جایی مند (توده‌ای)
 ۲۵۴- رجب پور (چریک فدایی اقلیت)
 ۲۵۵- دختری بانام خانوادگی رجایی (مجاهد)
 ۲۵۶- خسرو رجایی
 ۲۵۷- صلاح رجایی (از کومه)
 ۲۵۸- رحمتیان
 ۲۵۹- خسرو رحیم زادگان
 ۲۶۰- حسین رحیمی پور (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۶۱- احمد رحیمی
 ۲۶۲- هسگر رحیمی (فدایی خلق - عر آذر)
 ۲۶۳- محمدرضا رحیمی
 ۲۶۴- آصف رزم‌دیده (توده‌ای)
 ۲۶۵- پرویز رستم‌علی پور (چریک فدایی اقلیت)
 ۲۶۶- جمشید رستمی (چریک فدایی اقلیت)
 ۲۶۷- بهزاد رشیدی
 ۲۶۸- روشن زاده
 ۲۶۹- احمد علی رصی (توده‌ای)
 ۲۷۰- جمال رضایی (از کومه)
 ۲۷۱- احمد رضایی (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۷۲- شاهرخ رضایی
 ۲۷۳- رضائیان
 ۲۷۴- منوچهر رضایی (مجاهد)
 ۲۷۵- بهزاد رمزی
 ۲۷۶- سعید رمضان‌لو (مجاهد)
 ۲۷۷- حسین روزبهانی (مجاهد)
 ۲۷۸- عادل روزدار (توده‌ای)
 ۲۷۹- رودری
 ۲۸۰- حکیمه ریزی‌بندی (مجاهد)
 ۲۸۱- محمدریاحی (از راه کارگر)
 ۲۸۲- جعفر ریاحی (از راه کارگر)
 ۲۸۳- ۲۸۴- محمود رئیسی و همسرش زهره
 ۲۸۵- فاطمه زارعی (مجاهد)
 ۲۸۶- عزت‌الله زارع (توده‌ای)
 ۲۸۷- کیومرث زرشانصی (توده‌ای)
 ۲۸۸- بهمن زکی (توده‌ای)
 ۲۸۹- بهزاد زکی
 ۲۹۰- علی زمردیان (از سازمان پیکار)
 ۲۹۱- زمانی (توده‌ای)
 ۲۹۲- زنجانی
 ۲۹۳- محمود زندی (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۹۴- هوشنگ زندی (از کومه)
 ۲۹۵- شهین سامی (مجاهد)
 ۲۹۶- حبیب سالیانی
 ۲۹۷- تهمینه ستوده
 ۲۹۸- اسماعیل سجادیان (مجاهد)
 ۲۹۹- منوچهر صرحدی (فدایی خلق - عر آذر)
 ۳۰۰- علی سعیدی
 ۳۰۱- مه‌ری سلاخی (چریک فدایی اقلیت)
 ۳۰۲- رسول سلجوقی
 ۳۰۳- سوهان آجینی (مجاهد)
 ۳۰۴- دکتر مهدی سلیمانی (توده‌ای)
 ۳۰۵- عباس سلیمی (از رزمندگان)
 ۳۰۶- سلیمانی روزبهانی (مجاهد)
 ۳۰۷- شهریار سنجایی (مجاهد)
 ۳۰۸- حسین سیاق‌پور (فدایی خلق - عر آذر)
 ۳۰۹- سیاوش پور
 ۳۱۰- حسین سیاه‌تم
 ۳۱۱- کمال سیدمرادی (از کومه)
 ۳۱۲- جمال سیدمرادی (از کومه)

- ۴۱۴ - زهر اسیدی سیاه اسطلمی (مجاهد)
 ۴۱۴ - مجید سیمباری (از راه کارگر)
 ۴۱۵ - مصطفی شادمانی (چریک فدایی اقلیت)
 ۴۱۶ - اکبر شاکری (مجاهد)
 ۴۱۷ - بهمن شاکری
 ۴۱۸ - مجید شاه حسینی (مجاهد)
 ۴۱۹ - ناصر شاهسون
 ۴۲۰ - بهروز شاهی مقتی (مجاهد)
 ۴۲۱ - علی شبانی (توده‌ای)
 ۴۲۲ - چنگیز شریفی (مجاهد)
 ۴۲۳ - پرویز شریفی
 ۴۲۴ - اصغر شریفی
 ۴۲۵ - ژاله شریفی (مجاهد)
 ۴۲۶ - شریعت (مجاهد)
 ۴۲۷ - ابراهیم شعبانی
 ۴۲۸ - جبار شعبانی (مجاهد)
 ۴۲۹ - سروان شفیق پور
 ۴۳۰ - سیامک شکوهی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۳۱ - مجید شمس (مجاهد)
 ۴۳۲ - سرگرد در حیم شمس (توده‌ای)
 ۴۳۳ - شهبازی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۳۴ - علی شهبازی (توده‌ای)
 ۴۳۵ - حسن شهیدی (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۳۶ - محمدرضا شهیرانتخاب
 ۴۳۷ - بیژن شیروانی (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۳۸ - اکبر صادقی بناب (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۳۹ - ابوالمسن صادقی (مجاهد)
 ۴۴۰ - بدالله صادقی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۴۱ - فریبرز صالحی (توده‌ای)
 ۴۴۲ - مهرداد صالحی
 ۴۴۳ - رضا صالحی (مجاهد)
 ۴۴۴ - احمد صالحی
 ۴۴۵ - نادر صبری
 ۴۴۶ - عبدالعظیم صبوری (چریک فدایی - ارتش
 رمایی بخش)
 ۴۴۷ - احمد صبوری
 ۴۴۸ - حسن صداقت پور
 ۴۴۹ - جعفر صدای وطن (توده‌ای)
 ۴۵۰ - شاهین صدای وطن (توده‌ای)
 ۴۵۱ - حسین صدراپی اشکوری - اقدامی (فدایی
 خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۵۲ - علی صدراپی اشکوری (فدایی خلق - ۱۶
 آذر)
 ۴۵۳ - کمال صدرزاده (رنجبران)
 ۴۵۴ - صدیق - اعدام شده در زندان نشتارود -
 (مجاهد)
 ۴۵۵ - حسن صراف پور (توده‌ای)
 ۴۵۶ - صفری (مجاهد)
 ۴۵۷ - کاوه صفا (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۵۸ - صفاری (مجاهد)
 ۴۵۹ - بیژن صدرین (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۶۰ - صفاتیان (مجاهد)
 ۴۶۱ - حسین صفوی نیا (توده‌ای)
 ۴۶۲ - حمید صفوی
 ۴۶۳ - نادر صلواتی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۶۴ - لهراسب صلواتی (از راه کارگر)
 ۴۶۵ - علیرضا صلواتی خوش قلب
 ۴۶۶ - مهران صمدزاده
 ۴۶۷ - فرامر ز صوفی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۶۸ - محسن صیرفی نژاد (توده‌ای)
 ۴۶۹ - علی اصغر ضیفی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۷۰ - عادل طباطبائی (از راه کارگر)
 ۴۷۱ - مسعود طاهتی زاده (چریک فدایی اقلیت)
- ۴۷۲ - حمید طاهری (چریک فدایی اقلیت)
 ۴۷۳ - بهرام طاهری پور (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۷۴ - ۳۷۵ - صفری طاهری و همسرش (مجاهد)
 ۴۷۶ - انوشه طاهری (توده‌ای)
 ۴۷۷ - محمدرضا طباطبائی طبری (فدایی خلق
 ۱۶ آذر)
 ۴۷۸ - سعید طباطبائی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۷۹ - آزاده طیب (مجاهد)
 ۴۸۰ - عبدالهاشم عادل (چریک فدایی اقلیت)
 ۴۸۱ - ظهیر الاسلام (مجاهد)
 ۴۸۲ - مهرداد عاطفی (مجاهد)
 ۴۸۳ - محمدجواد عباسی (مجاهد)
 ۴۸۴ - عباس پور (از ارمان مستضعفین)
 ۴۸۵ - عبدالمسین (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۸۶ - عمر عبدالله پور (اعدام شده در ارومیه)
 ۴۸۷ - بهزاد عبدالمی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۸۸ - باقی عثمانی
 ۴۸۹ - عرب وزیر
 ۴۹۰ - منصور هسگری (فدایی اکثریت)
 ۴۹۱ - ناصر عطایی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۹۲ - فضیلت علامه
 ۴۹۳ - مسعود علایی خستو (مجاهد)
 ۴۹۴ - محمود گلپزاده (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۹۵ - مهدی هماری (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۹۶ - احمد میوضی
 ۴۹۷ - قفاری
 ۴۹۸ - محسن فیاثوند (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۹۹ - دکتر سیف الله فیاثوند (توده‌ای)
 ۵۰۰ - فیور
 ۵۰۱ - حبیب الله فاتمی کر جو (از کومه)
 ۵۰۲ - جلال فتاحی (چریک فدایی اقلیت)
 ۵۰۳ - حسین فارسی (مجاهد)
 ۵۰۴ - حسن فارسی (مجاهد)
 ۵۰۵ - نیره فتمعلی
 ۵۰۶ - جهانگیر فتحی (فدایی خلق اکثریت)
 ۵۰۷ - رحمت فتحی (چریک فدایی اقلیت)
 ۵۰۸ - علی فتحی
 ۵۰۹ - مهرداد فرجاد آزاد (توده‌ای)
 ۴۱۰ - فرج پور
 ۴۱۱ - مهرداد فرزانه ثانی (مجاهد)
 ۴۱۲ - داوود فرعی
 ۴۱۳ - عباس فرهمندیان
 ۴۱۴ - محمد فرمند (مجاهد)
 ۴۱۵ - خانمی بانام خانوادگی فلاحتی
 ۴۱۶ - فانی فر
 ۴۱۷ - فولادی (مجاهد)
 ۴۱۸ - رضائیا پور
 ۴۱۹ - سوسن فیز شندی
 ۴۲۰ - صلاح فیضی (از کومه)
 ۴۲۱ - عباس فیروزی (مجاهد)
 ۴۲۲ - اصغر قباقلو (توده‌ای)
 ۴۲۳ - زمانه قادری (از کومه)
 ۴۲۴ - محی الدین قادری (اعدام شده در زندان
 سقز)
 ۴۲۵ - حسین قاسم نژاد (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۲۶ - عباس قاسمی ملایی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۲۷ - حسن قاسمی پور (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۲۸ - سلمان قاسمی
 ۴۲۹ - علیرضا قاسمی
 ۴۳۰ - رامین قاسمی (مجاهد)
 ۴۳۱ - عمر قاضی (از حزب دموکرات)
 ۴۳۲ - جواد قائم آبادی (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۳۳ - مرزیه قبادیان
- ۴۳۴ - حمید قبادیان
 ۴۳۵ - هوشنگ قربان نژاد (توده‌ای)
 ۴۳۶ - نیر قربان پور
 ۴۳۷ - زین العابدین قربانی
 ۴۳۸ - بهرام قربانی (مجاهد)
 ۴۳۹ - داوود قریشی (توده‌ای)
 ۴۴۰ - ابو الفضل قریشی
 ۴۴۱ - رضاقریشی لنگرودی (ارزومندگان)
 ۴۴۲ - همت قلاوند (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۴۳ - حسین قلم بر (توده‌ای)
 ۴۴۴ - اصغر قلم گری اشتری
 ۴۴۵ - محمود قنبری پور (مجاهد)
 ۴۴۶ - صهمن قنبری (توده‌ای)
 ۴۴۷ - ساسان قندی (توده‌ای)
 ۴۴۸ - اسفندیار قاسمی (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۴۹ - داریوش کاندپور (ارزومندگان)
 ۴۵۰ - سعید کاظمی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۵۱ - زین العابدین کاظمی (فدایی خلق -
 ۱۶ آذر)
 ۴۵۲ - هوشنگ کامرانی میهنی
 ۴۵۳ - کفاش پور
 ۴۵۴ - اسماعیل کریم زاده
 ۴۵۵ - کریمی (مجاهد)
 ۴۵۶ - کریمی نژاد (مجاهد)
 ۴۵۷ - ۴۵۸ - کریمیان (دو خواهر)
 ۴۵۹ - شهلا کلاهی قوچی (از کومه)
 ۴۶۰ - رضا کمپانی (توده‌ای)
 ۴۶۱ - حسن کوچکی
 ۴۶۲ - محمد کوسه چی (مجاهد)
 ۴۶۳ - مختار کهنسال - محبت (مجاهد)
 ۴۶۴ - باقر کهنه‌ای (مجاهد)
 ۴۶۵ - کورش کیلاشکی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۶۶ - سیمیندخت کیانی دهکردی (مجاهد)
 ۴۶۷ - سهراب کیانی
 ۴۶۸ - علیرضا کیانی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۶۹ - صدکی خواه (مجاهد)
 ۴۷۰ - مهدی کیهان (توده‌ای)
 ۴۷۱ - مهدیه گرافیان
 ۴۷۲ - منوچهر گرم رودی
 ۴۷۳ - گرجی (مجاهد)
 ۴۷۴ - عطیه گوزان (از کومه)
 ۴۷۵ - رضا گلپایگانی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۷۶ - گلپایگانی (مجاهد)
 ۴۷۷ - کامبیز گل چوبیان (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۷۸ - علی گلچین (مجاهد)
 ۴۷۹ - مریم گلزاده ففوری
 ۴۸۰ - فیض الله کلی
 ۴۸۱ - حسن گودرزی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۸۲ - میرزا گودرزی (مجاهد)
 ۴۸۳ - حسن گودل (اعدام شده در ارومیه)
 ۴۸۴ - رسول گیوه خان
 ۴۸۵ - لامعی (توده‌ای)
 ۴۸۶ - محمدجواد لاهيجانیان (توده‌ای)
 ۴۸۷ - حمداالله لرکی (چریک فدایی - اقلیت)
 ۴۸۸ - خلیل لطف الله زاده (فدایی خلق
 اکثریت)
 ۴۸۹ - خانمی به نام لطیفی
 ۴۹۰ - حسن لنگرودی (فدایی خلق - اکثریت)
 ۴۹۱ - مسعود لوانسانی
 ۴۹۲ - عبدالله لیجایی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۹۳ - سعید متین (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۹۴ - مدرسی (مجاهد)



- ۴۹۵ - اسماعیل مجملی (توده‌ای)
- ۴۹۶ - اصغر محبوب (توده‌ای)
- ۴۹۷ - حمزه محبوب (مجاهد)
- ۴۹۸ - مجتبی محسنی (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
- ۴۹۹ - رضامحسن آبادی
- ۵۰۰ - رفعت محمدزاده - مسعود اخگر (توده‌ای)
- ۵۰۱ - صابر محمدزاده (توده‌ای)
- ۵۰۲ - جمال محمدنژاد (مجاهد)
- ۵۰۳ - علیرضا محمدی کمیجانی (فدایی خلق - اکثریت)
- ۵۰۴ - حجت‌الله محمدی (توده‌ای)
- ۵۰۵ - محمدرضا محمدی بهمن آبادی (مجاهد)
- ۵۰۶ - مریم محمدی بهمن آبادی (مجاهد)
- ۵۰۷ - محمدی زاده
- ۵۰۸ - محمودزاده (مجاهد)
- ۵۰۹ - عبدالاحد محمودی فر (مجاهد)
- ۵۱۰ - بندعلی مرادیپور (فدایی خلق - اکثریت)
- ۵۱۱ - علی مرادی (از کومه)
- ۵۱۲ - رضامرادیان
- ۵۱۳ - توأم مرادی (مجاهد)
- ۵۱۴ - بهروز مرئی (مجاهد)
- ۵۱۵ - محمدمرتضوی (فدایی خلق - اکثریت)
- ۵۱۶ - مصطفی مرادانی (مجاهد)
- ۵۱۷ - کامران مریوانی (مجاهد)
- ۵۱۸ - مسعودی فر
- ۵۱۹ - خانمی بانام مسیحا (مجاهد)
- ۵۲۰ - محمود مشتاقیان (مجاهد)
- ۵۲۱ - محمدرضا مشاط (مجاهد)
- ۵۲۲ - تاسم مشکوری (مجاهد)
- ۵۲۳ - کیوان مصطفوی
- ۵۲۴ - دکتر رحیم مصطفوی (مجاهد)
- ۵۲۵ - اصغر مصفا (فدایی خلق - اکثریت)
- ۵۲۶ - سعید مظاهری (مجاهد)
- ۵۲۷ - مهر داد مطلق (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
- ۵۲۸ - سهراب مطلق
- ۵۲۹ - حمید معصومی
- ۵۳۰ - رضامعظمی (فدایی خلق - اکثریت)
- ۵۳۱ - معلم (توده‌ای)
- ۵۳۲ - هیت معینی چاقروند - همایون (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
- ۵۳۳ - عطا معینی (از راه کارگر)
- ۵۳۴ - حمیدرضا مفرد ظاهری (چریک فدایی اقلیت)
- ۵۳۵ - پیمان مقبلی
- ۵۳۶ - مسعود مقبلی (مجاهد)
- ۵۳۷ - علیرضا مقدم (مجاهد)
- ۵۳۸ - بیژن مکوندی
- ۵۳۹ - سیامک ملکی (فدایی خلق - اکثریت)
- ۵۴۰ - علی ملکی (اعدام شده در زندان سقز)
- ۵۴۱ - حمید منتظری (فدایی خلق - اکثریت)
- ۵۴۲ - عباسعلی منشی رودسری (فدایی خلق - اکثریت)
- ۵۴۳ - کمال‌الدین منصوریان (مجاهد)
- ۵۴۴ - منصور کولی (مجاهد)
- ۵۴۵ - اصغر منوچهر آبادی (توده‌ای)
- ۵۴۶ - مجید منیری (توده‌ای)
- ۵۴۷ - اسماعیل موسایی (از پیکار)
- ۵۴۸ - رسول موسوی
- ۵۴۹ - مسگر موسوی (فدایی خلق - ۱۶ آذر)

- ۵۵۰ - منصور موسوی (از زندگان)
- ۵۵۱ - کیوان مهاجر (از کومه)
- ۵۵۲ - نادر مهربان (توده‌ای)
- ۵۵۳ - مهدیون
- ۵۵۴ - کیوان مهشید (توده‌ای)
- ۵۵۵ - خالد میرابی
- ۵۵۶ - میزرا محمد میرزا محمدی
- ۵۵۷ - کورس میرزایی
- ۵۵۸ - کورش میرزایی
- ۵۵۹ - اکبر میرزایی (فدایی خلق - اکثریت)
- ۵۶۰ - شهنواز میرزایی (مجاهد)
- ۵۶۱ - لطفعلی میرساردو (مجاهد)
- ۵۶۲ - مهر داد میرهاشمی
- ۵۶۳ - فرج‌الله میزانی جو انظیر (توده‌ای)
- ۵۶۴ - حمید میکانیل (مجاهد)
- ۵۶۵ - کریم نادری (فدایی خلق - اکثریت)
- ۵۶۶ - منوچهر نادری (مجاهد)
- ۵۶۷ - امیر هوشنگ ناظمی نیک‌آگین (توده‌ای)
- ۵۶۸ - مقطفی نجاری نژاد صلواتی (فدایی خلق اکثریت)
- ۵۶۹ - منصور نجفی شوشتری (از وحدت کمونیستی)
- ۵۷۰ - حسن نصارا
- ۵۷۱ - فرشید نصرتی (مجاهد)
- ۵۷۲ - سید محمد نظامی نظری
- ۵۷۳ - کمال نظری مقدم (از کومه)
- ۵۷۵ - صبا نظیر مقدم (مجاهد)
- ۵۷۶ - نظر نظیر مقدم
- ۵۷۷ - بیژن نعمان پور (از سازمان پیکار)
- ۵۷۸ - موسی نعمتی (مجاهد)
- ۵۷۹ - حسن نوربخش (فدایی خلق - اکثریت)
- ۵۸۰ - ناصر نوروزی
- ۵۸۱ - عبدالله نوری فر (فدایی خلق - اکثریت)
- ۵۸۲ - پروانه نور محمدیان (مجاهد)
- ۵۸۳ - صالح نور محمدیان (مجاهد)
- ۵۸۴ - بهرام نیک‌آفرین (فدایی خلق - اکثریت)
- ۵۸۵ - همایون نیک‌پور فرخ (مجاهد)
- ۵۸۶ - اسفندیار نیک‌منش (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
- ۵۸۷ - علی نیکنام (مجاهد)
- ۵۸۹ - زهر انیکو اقبال
- ۵۹۰ - توفیق وثوقی (فدایی خلق - اکثریت)
- ۵۹۱ - محمد جعفر وثوقی (فدایی خلق اکثریت)
- ۵۹۲ - کبری وریشتی (مجاهد)
- ۵۹۳ - محمدولید
- ۵۹۴ - اسماعیل وطن خواه (توده‌ای)
- ۵۹۵ - محسن وطن خواه (توده‌ای)
- ۵۹۶ - ناصر هادی (از کومه)
- ۵۹۷ - رحیم هاتقی
- ۵۹۸ - هاوشکویه
- ۵۹۹ - پرویز همایونی
- ۶۰۰ - کاظم همدانیان (فدایی خلق - اکثریت)
- ۶۰۱ - جعفر هوشمند
- ۶۰۲ - خلیل هوشیاری (فدایی خلق - اکثریت)
- ۶۰۳ - محمود هوشی
- ۶۰۴ - بهمن یزدانیان (فدایی خلق - اکثریت)
- ۶۰۵ - یگانگی (مجاهد)
- ۶۰۶ - مسام یگانه (فدایی خلق - اکثریت)
- ۶۰۷ - داریوش یوسفی (فدایی خلق - اکثریت)
- ۶۰۸ - بهروز یوسف پور (فدایی خلق - اکثریت)
- ۶۰۹ - ...
- ۶۱۰ - ...
- ۶۱۱ - ...
- ۶۱۲ - ...

جهانیان در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی

بقیه از صفحه ۶

نامه‌هایی به رسانه‌های گروهی این شهر خواهان بازتاب وسیع تراخبار مربوط به جنایات رژیم خمینی شده‌اند.
"کمیته علیه جنگ ایران و عراق - نوربرگ" در نامه‌ای به گنشر وزیر خارجه آلمان فدرال به سفر وی به تهران اعتراض کرد.

همین کمیته، جنایات اخیر رژیم خمینی را در نامه‌ای به سفارت رژیم خمینی محکوم کرده و نوشته است: "به جای هفدهمومی زندانیان سیاسی که وعده داده بودند، دست به اعدام همومی زده‌اند. ما این اقدام را به عنوان جنایت علیه بشریت و علیه حقوق بشر محکوم می‌کنیم."

حرکت مشترک در آرولسن

در شهر آرولسن آلمان فدرال، روز ۱۵ دسامبر ۱۹۸۸ حرکت مشترکی از سوی جمعی از هموطنان ما علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران سازمان یافت. در این تظاهرات، شرکت کنندگان که شامل ایرانیان و افراد متعلق به

ملیت‌های دیگر می‌شدند، با در دست داشتن پلاکاردهایی توجه مردم را به جنایات رژیم خمینی برانگیختند. خبر حرکت مشترک آرولسن، در روزنامه سراسری "تاتس" چاپ برلین قریب منتشر شد.

سخنرانی در روز حقوق بشر

ترتیب یافته بود، شرکت کرده در سخنانی به تشریح کشتار زندانیان سیاسی ایران پرداختند. خبر مربوط به این سخنرانی، در یک روزنامه محلی شهر بازتاب یافت.

ایرانیان مقیم "اولتسن" در ایالت نیدرزاکسن آلمان فدرال با شرکت در مراسمی که از سوی گروه سازمان هفو بین الملل در این شهر به مناسبت روز حقوق بشر

تظاهرات هواداران سازمان در گاکائو

شهر گاکائو (آلمان فدرال) در روز ۱۷ دسامبر شاهد تظاهرات ایستاده چندتن هوادار سازمان مقیم این شهر کوچک علیه فاجعه کشتار زندانیان سیاسی ایران بود. شرکت کنندگان در این تظاهرات با انشای جنایات خمینی،

شهر گاکائو (آلمان فدرال) در روز ۱۷ دسامبر شاهد تظاهرات ایستاده چندتن هوادار سازمان مقیم این شهر کوچک علیه فاجعه کشتار زندانیان سیاسی ایران بود. شرکت کنندگان در این تظاهرات با انشای جنایات خمینی،

سوئد

ایرانیان مقیم اوئو: خمینی، تنگت باد!

ایرانیان مقیم شهر اوئو سوئد با تشکیل نهادی بنام "کمیته

مذاکرات...

بقیه از صفحه اول

دارد: کمبود، خاموشی، سرما، گرانی وحشتناک، سر بازگیری... فراموش شدن مذاکرات صلح، برای مردم، به معنای ادامه این فلاکت و طغره رفتن رژیم از پاسخ به حداقل خواست‌های آنهاست. نگذاریم کار را به "مذاکرات فراموش شده" بکشانند. مردم صلح پایدار می‌خواهند. حالت نه جنگ و نه صلح فقط به کار آخوندها و "تجار محترم" می‌آید. برای صلح پایدار مبارزه کنیم.

چشم انداز می‌بیند که دنبال کردن قضایا را به نماینده خود واگذار کرده است. ادامه حالت نه جنگ و نه صلح، قبل از هر چیز به رژیم خمینی امکان می‌دهد تا فلاکت اقتصادی را به بهانه این وضع توجیه کند. هر چند دیگر بمب و موشک به سر مردم نمی‌بارد و سلاحها فعلا خاموشند، اما برای مردم ما وضعیت جنگی ادامه

رادیو تلویزیون و مطبوعات سوئد منتشر شد. نیروهای سیاسی ترقیخواه شهر اوئو مانند حزب چپ کمونیستها، جوانان کمونیست، سوسیال دمکراتها، جوانان سوسیال دمکرات، حزب مردم، حزب مرکز، سندیکای کارگری، حزب سبزها، حزب سوسیالیست، (مارکسیست - لنینیست انقلابی)، کمیته صلح، حزب کمونیست کارگری، مسئول دفتر سازمان ملل، انجمن فنلاندی‌ها و انجمن کردها از این تظاهرات حمایت کردند.

مشترک دفاع از حقوق بشر در ایران "راهپیمایی موفقی در این شهر علیه کشتار زندانیان سیاسی سازمان دادند. در روز جمعه ۱۳ ژانویه، بیش از ۱۵۰ نفر که در این تظاهرات شرکت کرده بودند، با دست داشتن مشعل‌هایی و دادن شعار به زبانهای فارسی و سوئدی، از افکار همومی سوئد خواستند به رژیم ددمنش خمینی اعتراض کنند. در میدان اصلی شهر اوئو، قطعنامه پایانی تظاهرات قرائت شد.

خبر راهپیمایی اوئو، در

استرالیا

اهدامهارادر ایران متوقف کنید!

روز پنجشنبه ۱۹ ژانویه تظاهراتی علیه قتل‌عام زندانیان سیاسی ایران برگزار کردند. کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران و حزب سوسیالیست استرالیا نیز از این تظاهرات حمایت کردند.

روز سه شنبه ۱۷ ژانویه، به دعوت گروهی از نیروهای ترقیخواه استرالیایی، از جمله "اسپارتاکیست‌ها"، تظاهراتی در ملبورن در اعتراض به اهدام‌های جنایتکارانه زندانیان سیاسی صورت گرفت. در این تظاهرات در حدود ۶۰ نفر شرکت داشتند. کمیته پناهندگان ایرانی، اتحادیه کارگران ترک در استرالیا، کمیته دفاع از حقوق بشر در ترکیه و حزب سوسیالیست آزادیخواه از جمله پشتیبانان این تظاهرات بودند. اسپارتاکیست‌ها در سیدنی نیز

به دعوت کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران، سیدنی در روز شنبه ۲۸ ژانویه شاهد تظاهراتی علیه قتل‌عام زندانیان سیاسی ایران بود که هنوز گزارش مشروح آن به دست ما نرسیده است.

کمک‌های مالی رسیده

سوئد

یکی از دوستان اران سازمان "به یاد برادرم"
به یاد رفیق شهید ماشالله دشتیاری
یاشار - ۸۸ از گوتنبرگ
بابک - ۴۴ از گوتنبرگ
سیاوش از مالمو برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی

فرانسه

توماج
مسعود
برای صلح
پویا
به یاد انوش
برای کمک به واحدهای فدائی داخل کشور

آمریکا

برای کمک به واحدهای فدائی داخل کشور از لوس آنجلس ۵۳۰ دلار
برای کمک به واحدهای فدائی داخل کشور از لوس آنجلس ۱۰۰ دلار
برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی سحر از فلوریدا ۴۴/۷۵ دلار
برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از واشنگتن دی سی ۱۵۰ دلار

دانمارک

برای همبستگی با خانواده شهدای زندانیان سیاسی ۱۰۰۰۰ اکرون

این فجایع رامی خواهند با بوق و کرنای تبلیغاتی و چوبه‌های دارا زمین بردارند!

بقیه از صفحه آخر



همه معتادند. بزرگترینشان شاید ۷ ساله باشد.

کرده که پیری زودرس، چین و چروکها و سایه‌های متأثر از اعتیاد در چهره‌اش داد می‌زند. و پسرک دیگر در حالی که چهار زانو نشسته و در یک دست کوچک و لرزانش، زوروق را گرفته و در دست دیگر کاغذ به آتش کشیده را زیر زوروق می‌چرخاند، با لبان گوستی و مرتعش خود، بخار گرد سفید را از راه نی مخصوص به درون ریه‌ها و سلولهای بدنش که گویی برای مخدر، دهان گشوده‌اند، هدایت می‌کند. بالاخره هر دمی‌سال معتاد که دائم به سیکارش پک می‌زند...

این تصویر درد انگیز را گزارشگر روزنامه کیهان پس از بازدید از یک محله ۳۰ هزار نفری در زاهدان به نام بابائیان ارائه داده است. (در کیهان ۲۸ دی ۱۳۶۷) اکثریت قریب به اتفاق اهالی این محل معتادند از بچه‌های ۵ ساله و حتی ۲ ساله و ۳ ساله گرفته تا پیرمردها و پیرزنهای دم‌مرگ. ناگفته نماند که در چنین محیط فلک‌زده‌ای افراد از ۳۰ سالگی به بعد سالخورده و پادرب گور محسوب می‌شوند.

خبرنگار کیهان، در بخش اول گزارش خود (کیهان ۲۷ دی) تصویر زیر را از خانه دیگری در این محله ارائه داده است:

و بیحال و زرد و زار، سر بر بالین بیماری نهاده است. مردی که خود را شوهر زن معرفی می‌کند، با شتاب به سوی ما می‌آید و خیراز بیماری زنش می‌دهد و بچه‌ها با نگاههایی مملو از سوال در حول و حوش کالبد تیمه‌جان مادر بیمارشان چرخ می‌خورند. خانه سرداست و جز چند پاره پتو و دوسه دست لباس ژنده آویزان بر میخهای دیوار کاهکلی، چیزی دیده نمی‌شود. زن به سختی بدن سنگین شده‌اش را از کف اتاق می‌کند و در جواب ما که احوال وی را می‌پرسیم، چنین نجوا می‌کند: من مریضم، و سپس به چربی و گوشت پلاسیده‌ای که روی رف اتاق بوی تند و تعویع آمیزی را در



مادر و دختر معتاد. دختر ۱۲ سال دارد و برای تامین مخارج زندگی و اعتیاد خود و خانواده‌اش، خودفروشی می‌کند. هزاران دختر نوجوان چنین سرنوشتی دارند.

توزیع کنند و بعد معتاد و سپس به فحشا کشیده شده بود. نمونه‌های ماندگار این زیاد دیده می‌شود. اغلب این خانواده‌هایی که معتادند، پس از گذشت زمان، وقتی پول ندارند و خودشان قابل عرضه و استفاده نیستند، دختر بچه‌شان را می‌فروشند. از سویی به خاطر وجود همین زنجیره فقر و اعتیاد و فحشا، مساله بهداشت در سطح پایینی است. شپش فراوان است. ما از توی بدن دانشجوی پزشکی، از توی بدن دانشجوی دانشکده کشاورزی، یک نوع شپش به نام خرچنگی در آوریم که مخصوصا در قسمت آلت تناسلی کانال می‌زند و عامل تیغوس است... (کیهان ۲۹ دی)

فضای اتاق می‌باشد، اشاره می‌کند و چنین ادامه می‌دهد: این غذای ماست. از توی زباله‌ها آن را پیدا کرده‌ایم، چون چیز دیگری نداریم که بخوریم این‌ها را خورده و مریض شدم.

رایتمای ما به وی رو کرده می‌گوید: زخم‌های ران‌شان بده. و سپس با اشاره به زخم‌ها در گوش ما می‌گوید: بیماری مقاربتی و مسری است..."

فجایع بی‌شمارند

فجایع به این یا آن صحنه منحصر نمی‌شوند. باز بنگریم که روزنامه دولتی کیهان خود در این زمینه چه می‌نویسد:

"پدری در زابل که معتاد به هروئین است، بخاطر اعتیاد پسرش را ۳ هزار تومان و دخترش را ۴ هزار تومان فروخته است..."

"یکی از منابع محلی می‌گوید: یکبار زنی که بچه‌ای را به پشت داشت و به تکدی می‌پرداخت، پس از یک حادثه دستگیر کردیم که با بازداشت او مشخص گردید، فرزند مال خودش نیست و متعلق به یک بلوچ است که ۳۰۰ تومان، این کودک را فروخته بود..."

"فقر در بین بومی‌ها عامل اعتیاد و فحشا است و مایکبار به خانهای در منطقه بابائیان رفته بودیم که استخوانهایی را در خرابه جمع کرده بودند که سگ هم نمی‌خورد. مادر بچه‌ها، در این خانه توسط افغانی‌ها شکار شده و افغانی‌ها به اینها مواد می‌دادند که

توطئه

"استکبار جهانی"؟

گسترش اعتیاد در ایران، به چنان معضلی تبدیل شده است که رژیم نمی‌تواند در قبال آن بی‌تفاوت باشد. رژیم برای پوشاندن نقش اصلی خویش در گسترش اعتیاد، این پدیده را به "استکبار جهانی" نسبت می‌دهد، همانگونه که جنگ را به "استکبار جهانی" نسبت می‌داد، اما ستون اصلی آن پدیده‌ای که همه مفاصل جامعه ما بدان نسبت داده می‌شود، خود رژیم است. نفس وجود نظام جمحوری اسلامی با جنگ، فقر، بیکاری، اعتیاد و انواع و اقسام فساد در آمیخته است. قاچاقچیان همده در پناه نقماینده



ارمغان جمهوری اسلامی برای نسل جوان

بی آینده می بیند، فی نفسه گسترش بلای اهدیاد را بدیمی میکند. نظام حاکم، نظامی اهدیادگستر و معتاد پرور است. تا این نظام پابرجاست، بلای اهدیاد با همین شدت و حتی بیشتر، گسترش پیدا خواهدکرد.

چرا رژیم دم از مبارزه با اهدیاد می زند؟

گسترش اهدیاد، ارگانسیم جامعه ما را بیمار کرده است. هزاران خانوار از هم پاشیده شده و یا در کلیت خود به فقرا سقوط کرده اند. مردم به چشم دیده اند که اهدیاد به شکل سرطانی و باسرعتی عجیب رو به گسترش نهاد و همه جا را آلوده کرد. در تهران، از هر ده یا بیست رهگذری که از جلوی چشمتان می گذرد، ای بسا که یکی آشکارا معتاد در نظر آید. مردم همه این پدیده ها را می بینند و با ساده ترین منطق هم که تضرع را بخواهند ریشه یابی کنند، به درستی مسبب آن را نظام جمهوری اسلامی معرفی می کنند. جمهوری اسلامی بادم زدن از مبارزه با اهدیاد، نقش آن دزدی را بازی می کند که در مهرک های فریاد سر داده بود: دزد را بگیرید!

رژیم هر از گاهی جارو و جنجال فراوانی بر سر مساله قاچاق و اهدیاد به راه می اندازد و چندصد نفر را اهدام می کند، بی آنکه از شدت بلیه کاسته شود. فقط قیمت مواد بالاتر می رود و سود بیشتری راهی جیب سوداگران مرگ می شود. در ضمن

خاصه سرکردگان اشرا افغانی. در جایی که صادق طباطبایی به عنوان یک نورچشمی رژیم، در قاچاقچی گری شهرت بین المللی دارد، در حالی که سران کمیته و سپاه، حکام شرع و انواع و اقسام آخوندهای ریز و درشت زود بندهای روشن و آشکاری با باندهای قاچاق مواد مخدر دارند، در حالی که جیبه های جنگ خود یکی از مراکز اصلی گسترش اهدیاد در میان جوانان بوده و همچنان هست، طبیعی است که اهدیاد مدام گسترش یابد. در روزنامه رسالت ۲۹ دی ماه این خبر درز کرده است که مسئول کمیته مبارزه با مواد مخدر زاهدان ده میلیون ریال از یک قاچاقچی رشوه گرفته است. و زاهدان جایی است که در بالا وضعیت محله ای از این شهر فلک زده، به نقل از خود روزنامه های دولتی، توصیف شد.

نظام معتاد پرور

مساله گسترش اهدیاد در ایران را تنها نمی توان با مخاد درون خود دستگاه حکومتی توضیح داد. این امر تشدیدکننده پدیده اهدیاد است و نه زمینه ساز آن. وجود جامعه ای با فواصل طبقاتی عظیم، جامعه ای نابهنجار و مصیبت زده، جامعه ای که بدبختی های دوره حاکمیت سلطنت را به ارث برده و سپس دچار مصیبت حاکمیت مستی آخوند پست فطرت شده و ۸ سال مداوم درگیر بلای جنگ بوده است، جامعه ای که فقر و بیکاری در آن بیداد می کند و بالاخره جامعه ای که خود را

رژیم با بهره انداختن موج بگیرو بند و اهدام، دستگاه های پلیسی خود را تقویت کرده، جو رعب و وحشت در جامعه ایجاد می کند و علاوه بر این می گوید که بروی کشتار زندانیان سیاسی سایه افکند. باید این نیرنگها را خنثی کرد و نفرت و کینه خانواده های مصیبت دیده را در جهت مبارزه فعال با رژیم اهدیاد پرور جمهوری اسلامی، سازمان داد.

افشاگری در خارج از کشور

دامنه افشاگری در این زمینه را باید به خارج از کشور نیز گسترش دهیم. باید به جهانیان بگوییم جمهوری اسلامی چه مصیبت های دردناکی را برای جامعه به همراه داشته است. باید به جهانیان بگوییم: این بلا تنها دامنگیر ایران نمی شود. ایران اکنون پل انتقال مواد مخدر از آسیا به اروپاست. باید در همه جا بر این نکته مهم افشاگر دست بگذاریم که حکومت فقها در ایران بلای اهدیاد را در سراسر جهان گسترش داده است.



در جمهوری اسلامی یکی مرگ در جیبه نصیبش شد و دیگری به چنین بلایی گرفتار گردید.

کیهان ۲۸ دی ۱۳۶۷

زنجیری آهنی، جسم بیحال و متورم شده دخترک دهساله را به بدنه چوبی تخت قرض کرده است، و پدر که خود اسیر و گرفتار گرد سفید است، سیر همانه با شلاق می چرمی، ضربات خرد کننده اش را بر تن نحیف دخترک فرو می آورد زیرا که دخترک امروز در آمد چندانی بچنگ نیاورده است، تا پدر مستادش به خشم نیاید. آنسو تر، زن جوان حاضر نمی شود بخاطر تأمین خرج اعتیاد شوهرش، دامن خود را آلوده

سازد. و شوهر معتاد، مستاصل و زبون، در هجوم دردهای طاقت فرسای نرسیدن به نشنگی مرگ پیشرس را حس می کند. خسر ناسه خشمی از جسد بیمه جانش توی فضا سرریزد و آرمای را روی اجاق پر از آتش سرخ می کند و زانوان زن اسیر خود را با آن می برد و زن باقی عمر خود را تا سپیده دم به تضرع و بی تابی از درد به پایان می برد و اما داستان آن دخترک ۸ ساله که پدر معتاد، او را پنجهزار تومان به جوان ۲۱ ساله افغانی می فروشد

پل هوایی شوروی برای کابل

روزانه ۱۵ هواپیما با کالاهای ضروری در کابل فرود می آیند



همانگونه که در شماره گذشته گزارش دادیم، کابل پایتخت افغانستان بر اثر یخبندان بیسابقه، بارش برف و محاصره توسط باندهای مسلح ضدانقلاب، دچار کمبود شدید مواد غذایی و سوختی شد. در شهر صف‌های طولانی برای خرید نان و بنزین اتومبیل به وجود آمد. قیمت گوشت، میوه و سبزی رشد بیسابقه‌ای یافت و بازار سیاه پیدا کرد. تعدادی از کودکان و سالخورده‌گان به هلت گرسنگی و سرما جان سپردند.

جاده‌هایی که کابل را با بخش‌های جنوب و شرق افغانستان متصل می‌کنند، توسط ضدانقلاب مسدود شده‌اند. تنها راه باقیمانده از کابل به طرف شمال از طریق گردنه سلنگ نیز در معرض تهدید باندهای مسلح و نیز ریزش برف است. قرار دارد از همین رو، اتحاد شوروی تامین کالاهای ضروری کابل را با برقراری یک پل هوایی به عهده گرفته است.

هواپیماهای شوروی هزاران تن آرد به کابل حمل کرده‌اند. همچنین این هواپیماها حامل سایر مواد غذایی و سوختی هستند. به گزارش خبرگزاری تاس، شمار پروازهای هواپیماهای باری شوروی به کابل، به ۱۵ پرواز در روز رسیده است. این خبرگزاری می‌افزاید با برقراری این پل هوایی، خطر وخامت شدید اوضاع برطرف شد. هر هواپیما ایلوشین ۷۶، ۲۵ تن آرد به کابل حمل می‌کند.

در گزارش تاس آمده است: "سبل انگاری‌های جنایتکارانه ماموران مسئول، که گاه با سوءنیت بوده است" در پایتخت افغانستان بر وخامت اوضاع افزود. تاس می‌افزاید مسئولان افغانی که با موقعیت گردنه سلنگ آشنا بوده‌اند، می‌بایستی از پیش برای ذخیره مواد غذایی در کابل تدارک می‌دیدند.

در حال حاضر نبردهای شدیدی در استانهای کابل، قندهار، ننگرهار، هرات، کندوز، پکتیا و فوور جریان دارد. اتباع خارجی کابل را ترک می‌کنند و کشورهای غربی سمار تخاند-های خود را تعطیل کرده‌اند. ژنرال عبدالله فرماندار نظامی شهر کندوز اعلام کرد بدنبال یک

نبرد سه روزه، نیروهای دولتی افغانستان تلاش ۳ هزار ضدانقلابی برای تصرف کندوز را خنثی کرده‌اند. این شهر از هنگام خروج نیروهای شوروی از آن، شاهد درگیری‌های سختی بوده است. در تابستان ضدانقلابیون کندوز را تصرف کردند، اما مجبور شدند اندکی بعد عقب بنشینند. چند روز پیش، اشرار خبر تصرف فرودگاه کندوز را داده بودند. ژنرال عبدالله گزارش داد که در نبردهای کندوز ۴۰۰ ضدانقلابی کشته شدند. این نبردها یک هفته ادامه داشت و با شلیک ۲۵۰۰ موشک از سوی ضدانقلابیون به سوی شهر همراه بود.

ستاد فرماندهی ارتش افغانستان خبر داد در استان قندهار ۱۵ شورشی توسط نیروهای دولتی به بلاکت رسیده‌اند و ضدانقلاب ناچار به تخلیه ۲۰ موضع خود شده است. به گزارش تاس، در روزهای اخیر در مجموع هزار ضدانقلابی دز نبرد با نیروهای دولتی کشته شدند.

در روز سه شنبه، نیروهای دولتی افغانستان عملیاتی را علیه باند ضدانقلابی احمدشاه مسعود که در منطقه گردنه سلنگ فعالیت می‌کنند، آغاز کردند. فرماندهی ارتش افغانستان گزارش داد در این نبردها ۳۷۷ ضدانقلابی کشته و چند موضع استراتژیک در امتداد جاده‌ای که کابل را به مرز شوروی متصل می‌کند، بازپس گرفته شدند. ارتش افغانستان در عملیات خود از هواپیما و توپخانه استفاده کرد.

روزنامه پروادا گزارش داد نیروهای شوروی نیز در مسیر خروج خود از طریق گردنه سلنگ درگیر نبردهای سختی شده‌اند.

سپاه دوم ارتش افغانستان در قندهار توسط نیروهای ضدانقلابی محاصره شده است. ارتش شوروی برای تامین کالاهای مورد نیاز این شهر نیز یک پل هوایی برقرار کرده است. باند ضدانقلابی "حزب اسلامی" اعلام کرد که به اتفاق سایر اشرار، حملات علیه قندهار را شدت بخشیده است. همچنین از روز جمعه حملات موشکی به کابل که چند روز قطع شده بود، از سر گرفته شد.

سخنگوی فرماندهی نیروهای

شوروی در افغانستان اعلام کرد آخرین مرحله خروج نیروهای شوروی از این کشور آغاز شده است. این سخنگو افزود تا تاریخ ۲۶ بهمن (۱۵ فوریه) آخرین سرباز شوروی نیز افغانستان را ترک خواهد کرد و تنها شماری مستشار نظامی در افغانستان باقی خواهند ماند. تعداد این مستشاران، "چند ده" نفر اعلام شد.

ژنرال یازوف وزیر دفاع شوروی جمعه گذشته وارد کابل شد. وی با نجیب‌الله رئیس‌جمهور افغانستان دیدار و گفتگو کرد. همچنین ادوارد شوارنادزه در روز ۱۵ بهمن (۴ فوریه) برای مذاکره با دولت پاکستان در مورد اوضاع افغانستان به اسلام‌آباد سفر خواهد کرد. وزیر خارجه شوروی پس از دیداری از چین وارد پاکستان خواهد شد. دیه‌گو کوردوز مامور ویژه دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد که از روز ۲۳ بهمن تلاش‌های جدیدی برای ترتیب همه طرفی‌های درگیر به تشکیل یک دولت ائتلافی آغاز خواهد کرد. مذاکرات شورشیان افغانی با یولی وورونتسوف معاون وزیر خارجه شوروی چندی پیش بدون حصول توافق قطع شد.

نجیب‌الله رهبر افغانستان، خاورپرز دو کوئیار دبیرکل سازمان ملل را دعوت کرد هرچه زودتر به کابل سفر کند. نجیب در نامه خود یادآور شد که سازمان ملل مسئول اجرای معاهده ژنو در باره افغانستان است.

اختلافات میان باندهای ضدانقلابی افغانستان شدت گرفته است. نیروهای ضدانقلابی تشکیل

شورایی را که قرار بود از روز ۱۲ بهمن به تبادل نظر برای ایجاد دولت بپردازد، تا ۲۱ بهمن به تعویق انداختند. این تصمیم "شورای عالی" ضدانقلابیون، پس از مذاکرات دو روزه "ائتلاف هفتگانه" مستقر در پیشاور پاکستان با رهبران "ائتلاف هشتگانه" مورد حمایت جمهوری اسلامی صورت گرفت. افغانی‌های طرفدار رژیم خمینی به تعیین سمیه‌ای ۶۰ نفری برای خود از مجموع ۴۸۰ عضو شورا، اعتراض کرده و خواجیان داشتن ۱۲۰ نماینده در این شورا شده بودند. به منظور مذاکره بری حل این اختلافات، گلبدین حکمت‌یار سرکرده "حزب اسلامی"، بزرگترین نیروی ائتلاف هفتگانه پیشاور، به تهران رفته و با افغانی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی و نیز ولایتی وزیر خارجه دیدار کرده است. ولایتی در دیدار با حکمت‌یار خواهان تشکیل دولت مشترکی از ضدانقلابیون شد.

از سوی دیگر در درون ائتلاف هفتگانه نیز اختلافات بالا می‌گیرد. سه گروه متمایل به سلطنت در افغانستان که عضو ائتلاف پیشاورند، اعلام کردند "دولت موقت" به ریاست احمدشاه مسعود را که در سال گذشته از سوی شورشیان مستقر در پاکستان تشکیل شده است، نمی‌پذیرند. مخالفان احمدشاه مسعود، خواهان بازگشت ظاهر شاه هستند. برخی گزارش‌ها حتی حاکی از وقوع درگیری‌هایی در یک اردوگاه افغانی مادر کوئته پاکستان است.

پیشنهاد جدید انقلابیون السالوادور

در روز سه شنبه ۲۴ ژانویه، جبهه‌های بخش فارابوندومارتی السالوادور، پیشنهاد مهمی برای پایان دادن به جنگ داخلی ۹ ساله در این کشور ارائه کرد. انقلابیون السالوادور اعلام کردند که تحت شرایطی، انتخابات ریاست جمهوری در سال جاری میلادی را به رسمیت شناخته، خود در آن شرکت خواهند کرد.

نمایندگان جبهه فارابوندومارتی طی یک کنفرانس مطبوعاتی در مکزیکوسیتی اظهار داشتند هدف از این پیشنهاد جلوگیری از وقوع یک انفجار اجتماعی در السالوادور و امکان پذیر کردن راه‌حلی برای بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عمیق این کشور است.

به پیشنهاد میهن پرستان السالوادور، انتخابات ریاست جمهوری می‌بایست از ۱۹ مارس به ۱۵ سپتامبر موکول شود و در این جهت تلاش گردد که مردم و سיעاد در رای گیری شرکت کنند. طبق این پیشنهاد، انتخابات باید تحت نظارت نمایندگان سازمان‌های حقوق بشر و کلیسا صورت گیرد و بدین منظور از ناظران خارجی هم دعوت به عمل آید.

قیام مردم فلسطین ادامه دارد

هفته گذشته دهمده‌ای در نزدیکی الخلیل در کرانه غربی رود اردن، مورد حمله سربازان ارتش اسرائیل قرار گرفت. در این یورش یک نوجوان ۱۷ ساله فلسطینی کشته شد.

روز سه شنبه، در هشت اردوگاه آوارگان با جمعیت حدود ۲۰۰ هزار نفر در نوار قزّه از سوی صهیونیست‌ها مقررات منع رفت و آمد برقرار شد. این اقدام برای مقابله با اعتصاب عمومی مردم این منطقه صورت گرفت.

سختگوی ارتش اسرائیل اعلام کرد از ۸ دسامبر ۱۹۸۷، روز آغاز قیام مردم فلسطین تاکنون ۲۸۸ فلسطینی توسط صهیونیست‌ها به قتل رسیده‌اند. منابع فلسطینی، تعداد قربانیان سرکوبگری ارتش اسرائیل را ۳۷۰ تن اعلام کرده‌اند.

از ر وایمن یکی از اعضای کابینه اسرائیل خواهان مذاکره دولت اسرائیل با سازمان آزادیبخش فلسطین شد. وی تلاش‌های جاری کابینه شامیر برای سازمان دادن یک جریان فلسطینی رقیب ساف در مناطق اشغالی به منظور پیداکردن "حرف مذاکره" را محکوم به شکست دانست. در حال حاضر اسحاق رابین وزیر دفاع اسرائیل سرگرم گفتگوهایی با برخی شخصیت‌های فلسطینی است.

وزرای خارجه اسپانیا، یونان و فرانسه به نمایندگی از سوی بازار مشترک، بایاسر هرفات رهبر ساف دیدار و گفتگو کردند.

جبهه فارابوندومارتی شرایط انتخاباتی واقعی را قطع فوری قتل‌ها و آدم‌ربایی‌ها، خودداری از اقدامات سرکوبگرانه علیه اعتصابات و سایر حرکت‌های توده‌ای و نیز احترام به مبارزه انتخاباتی همه احزاب از سوی ارتش اعلام کرده است. خود این جبهه اطمینان داده است که به نوبه خود فعالیت‌های همه احزاب و ارگان‌های انتخاباتی و نیز شهرداران را خواهد پذیرفت.

انقلابیون السالوادور افزوده‌اند که در صورت تامین این شرایط مشروطیت حکومتی را که از انتخابات فرار ویدو نیز مشروطیت کابینه فعلی را به عنوان دولت دوره گذار خواهند پذیرفت، جبهه فارابوندومارتی خاطر نشان می‌کند که بدین ترتیب، انتخابات می‌تواند به حل مسائل کشور کمک کرده، گام مهمی به سوی صلح باشد.

بلافاصله پس از رایزنی پیشنهاد جدید جبهه فارابوندومارتی، یک سختگوی دولت السالوادور اعلام کرد حکومت حوزه ناپلئون دوارته رئیس جمهور این کشور در حال بررسی این پیشنهاد است و بعداً به آن پاسخ خواهد داد.

زمین لرزه در تاجیکستان

مسانتی معادل ۸ کیلومتر، این سه روستا را در بر گرفت.

دولت تاجیکستان برای نجات افرادی که در زیر آوار مانده‌اند، مداوای مجروحان و کمک به مردمی که خانه‌های خود را از دست داده‌اند، کمیسیون ویژه‌ای تشکیل داد.

از سوی دیگر دانشمندان هشدار دادند که احتمال وقوع زلزله جدیدی در ارمنستان وجود دارد. در این منطقه در پوسته زمین فعالیت‌های شدیدی اندازه‌گیری شده است. زمین لرزه ماه دسامبر در ارمنستان ۲۵ هزار کشته به جای گذاشت.

زمین لرزه شدیدی صبح دوشنبه ۲۳ ژانویه، منطقه گیسارسکی واقع در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر دوشنبه پایتخت جمهوری شوروی تاجیکستان را لرزاند. این زلزله که به شدت زلزله ارمنستان نبوده، باعث تخریب بیش از ۴۰۰ خانه مسکونی، ۵ مدرسه، یک بیمارستان و یک زایشگاه شد. تلفات این حادثه بین ۵۰۰ تا هزار نفر گزارش شده است.

به گزارش خبرگزاری تاس، زلزله تاجیکستان باعث جابجایی عظیم خاک سطح زمین شد و حداقل سه روستا را مدفون کرد. توده عظیمی از خاک با ارتفاع حداقل ۱۲ متر، در طول

از میان سایر رویدادها

آلمان دموکراتیک و چکسلواکی اعلام کردند که بطور یکجانبه شمار افراد ارتش و بودجه نظامی خود را کاهش می‌دهند. در آلمان دموکراتیک، ۱۰ هزار نفر از نفرات ارتش و ۱۰ درصد از بودجه دفاع و در چکسلواکی ۱۲ هزار تن از افراد ارتش و ۱۵ درصد از هزینه‌های دفاعی کاسته خواهد شد.

ابتکار ویتنام برای تشکیل کنفرانس در مورد کامبوج

نگوین وان لین دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام در سفر خود به هند خواهان تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی در مورد مسئله کامبوج با شرکت همه طرف‌های درگیر این مسئله و نیز ایالات متحده، اتحاد شوروی، چین و هند شد.

نور دوم سیهانوک رهبر پیشین کامبوج در پکن با مقامات چین در مورد مسئله کامبوج به گفتگو پرداخت. معاونین وزرای خارجه چین و ویتنام نیز در پکن ملاقات کردند و در مورد برنامه‌های جهت خروج نیروهای ویتنامی از کامبوج تا سپتامبر ۱۹۸۹ و قطع کمک‌های خارجی به گروه‌های کامبوجی به توافق رسیدند. قرار است از ۱۹ تا ۲۱ فوریه، نمایندگان همه طرف‌های درگیر مسئله کامبوج برای بار دوم در جاکار تا پایتخت اندونزی ملاقات کنند.



در روز یکشنبه ۲۲ ژانویه در حدود ۲۰ هزار تن در سئول پایتخت کره جنوبی برای وحدت کره دست به تظاهرات زدند. در مرکز شهر سئول میان شرکت کنندگان در تظاهرات و پلیس درگیری‌هایی روی داد.

این فجایع رامی خواهند بابوق و کرناى تبلیغاتی و چوبه‌های دار از میان بردارند!

عامل اصلی گسترش و حشمتناک اعتیاد در کشور، خودنظام جمهوری اسلامی است



کودکی که در مقابلتان، در کنار بساط مصرف مواد مخدر نشسته است، چند سال دارد؟ در ایران خمینی‌زده، هزاران کودک سرنوشتی همچون او رایافته‌اند.

تصاویری تکان دهنده

«اتاقکی حقیر در پای کوهی سنگی مثل یک کنام نشسته است. متروک و دورافتاده است. به آهستگی گام‌هایمان را از ریزه‌سنگهای پای کوه به جلو می‌رانیم. و اینک سه کودک ۵ ساله و ۱۱ و ۱۱ ساله کنار مردی معتاد با موهای سفید در قاب نگاهمان ظاهر میشوند. فضای اتاق به اتاق ماندنیست. بریدگی‌های سنگ که شیارهای خاک گرفته‌ای دارد، در فضای داخلی اتاق شکم داده است و چند تشک ابری سیاه و وارفته در گوشه اتاق رویهم ریخته است. بساط افیون پهن است، چراغ نفتی، قوری به سیاهی نشسته و یک ماهی تابه روغنی و دیگری وارونه بر کف خاکی اتاقک. بچه‌های معتاد با دست‌های پینه‌بسته‌شان، خم گشته‌اند روی زورق و پاهای لخت و استخوانی‌شان روی گونی‌های پوسیده، ستون بدن شده‌است تا پاو دست و فکر و ذهن، همه در فرودادن بخار مرگ، هماهنگ باشند. کوچکترین شان تازه از کشیدن هروئین فارغ شده و متحیرانه و منتظر حوادث بعدی، ما را می‌پابد. آن دیگری که سعید نام دارد، در ۱۱ سالگی چنان مواد افیونی در بافتنای بدنش رسوخ بقیه در صفحه ۱۲

به عکس‌های این صفحه و صفحات ۱۲ و ۱۳ بنگرید، هر یک از آنها فاجعه عظیمی را بازتاب میدهد.

کودکان پنج - شش ساله را ببینید که چگونه کنار بساط هروئین و شیر و تریاک نشسته‌اند، و نیز دختران نوجوان را که اسیر اعتیادند و فحشا، کلبه‌هایشان مظهر فقر و فلاکت است. زندگی‌شان اوج درماندگی است، در ایران خمینی‌زده ما چند نفر چنین سرنوشتی یافته‌اند؟ آمار روشنی در دست نیست.

بنا بر گزارش «دایره بین‌المللی کنترل مواد مخدر» وابسته به سازمان ملل متحد، ایران از لحاظ مصرف و شاهه مواد مخدر و اعتیاد در صدر تمام کشورهای دنیا قرار گرفته است. در گزارش سال ۱۹۸۴ این نهاد بین‌المللی، تعداد معتادین به تریاک بیش از ۱/۵ میلیون نفر و تعداد معتادین به هروئین بیش از ۱۰۰ هزار نفر برآورد شده است. در حال حاضر تعداد معتادین در ایران رادست کم باید ۳ میلیون نفر برآورد کرد. حال رژیم می‌خواهد با بوق و کرناى تبلیغاتی و برپاکردن چوبه‌های دار، مساله این ۳ میلیون نفر را حل کرده و جلوی گسترش اعتیاد را بگیرد!



خمینی: «اینجا مملکت امام زمان است»

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «کار»	<input type="checkbox"/> یک ساله	۱۱ مارک	۱۳ مارک
		۲۱	۲۴
بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «اکثریت»	<input type="checkbox"/> شش ماهه	۲۷ مارک	۳۰ مارک
	<input type="checkbox"/> یک ساله	۱۰۲	۱۱۵

آدرس کامل (لطفاً خوانابنو بسید)

AKSARIYAT
NO. 243
MONDAY, 30 JAN 89

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701 . 650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک‌هایی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید